

سلام بر جشنواره یازدهم

دهمین جشنواره سینما حقیقت با معرفی برترین ها به کار خود پایان می دهد



8 CUT + کار

گزارش تصویری از جشنواره دهم

داوری بر اساس وجوه زیبایی شناسی فیلم ها

منوچهر شاهسواری از کیفیت فیلم های
جشنواره دهم سینما حقیقت و ملاک های
داوری آثار می گوید

6

جایزه بزرگ شبکه مستند اروپا برای ایرانی ها

گزارشی از اهدای جایزه موسسه بزرگ
ای دی ان به مستند سازان ایرانی
در حاشیه جشنواره سینما حقیقت

5

سینمای حقیقت دروغ نمی گوید

گفت و گویی خواندنی
با محمد صالح علا
درباره سینمای مستند

8

سر آغاز فصل جدید

حال و هوای پردیس چارسو در آخرین روز دهمین جشنواره «سینما حقیقت»



کاروان دهمین جشنواره بین المللی سینما حقیقت هم به منزل پایانی رسید. شنبه آغاز هفته بود و روز پایانی دوره می خاطره ساز مستند سازان در سال ۹۵. آیین اختتامیه، اما امروز یکشنبه برگزار می شود تا پس از یک هفته تماشای برترین مستندهای تولید شده در طول سال، از نگاه داوران دهمین جشنواره سینما حقیقت، برترین های این جشنواره را هم بشناسیم و دهمین دفتر از تجربه بالیدن سینمای مستند ایران در قالب رویدادی بین المللی به پایان برسد.

فرصت جبران

از اتفاقات جالب در روز پایانی اکران فیلم ها در پردیس چارسو تلاش سینما دوستان برای تماشای فیلم های برتری بود که به دلایلی امکان تماشای آن ها در طول جشنواره را به دست نیاورده بودند. به یمن برنامه ریزی اولیه برای روز شنبه، پنج سانس ویژه در نظر گرفته شده بود که بنا بر اعلام دبیرخانه به فیلم های برتر تقاضای اختصاص پیدا کرد. به همین دلیل هم روز شنبه اغلب مهمانان جشنواره با تکه کاغذی در دست و با برنامه ریزی برای جبران مافات به چارسو آمده بودند. این فرصتی غنیمت برای فیلم بازها بود.

استقبال تادقیقه ۹۰

مخاطبان سینما حقیقت دیروز به تماشای آخرین فیلم های به نمایش درآمده در جشنواره دهم نشستند و احتمالاً امروز با رصد اختتامیه، فهرستی از پیش بینی های خود را در قیاس با رای و نظر داوران مرور می کنند، اما مهم ترین نکته این است که بسته شدن دفتر جشنواره دهم، به تعبیری دیگر، رفتن به استقبال جشنواره یازدهم است. جشنواره ای که از همین امروز و با پایان یافتن آیین اختتامیه جشنواره دهم می توان آن را آغاز شده تلقی کرد و منتظر ماند و دید بعد از یکسال تلاش، مستندسازان چه منوهای را برای آن رویداد تدارک خواهند دید.

به تبع همین حال و هوا هم دقایقی پیش از آغاز اکران هر یک از فیلم ها در روز گذشته، صف طولی از علاقه مندان مقابل سالن ها تشکیل می شد و اکران با



حسین سینایی
رئیس هیئت مدیران

چرا فیلم مستند ماندگار است؟

۱ اهمیت و جذابیت آثار مستند به مرور زمان مشخص می شود. فیلم های داستانی اغلب بر این اساس ساخته می شوند که مخاطب را در مدت زمان دو ساعت سرگرم کنند. در گذر زمان بازی ها کهنه می شود یا داستان جذابیت خود را از دست می دهد، در صورتی که آثار مستند و مستندهای داستانی حتی اگر در ساده ترین حالت هم ساخته شده باشند، می تواند آگاهی را برای مخاطب به همراه داشته باشد. توانایی فیلمساز و احساس مسئولیتی که به موضوع مورد نظر خود دارد، دلیلی برای جذابیت مستند است. بیشتر مستندهایی که این روزها ساخته می شوند، به سمت مستند-گزارش رفته اند و با وجود این که نوعی از مستند محسوب می شود، اما ساده ترین حالت آن است.

۲ من به دلیل حضور ۵۰ ساله در سینمای کشورمان باید بگویم آرایه فیلم های مستند و داستانی تغییر کرده و رو به پیشرفت است که البته به شرایط فناوری و تکنولوژی نوین هم مربوط است. فیلم مستند قاعدتاً آن چیزی نیست که یک فیلمساز بتواند به سادگی آن را بسازد. اگر شما فیلم های مختلفی را که درباره طبیعت یا هر چیز دیگری ساخته می شود، نگاه کنید، متوجه می شوید حاصل سال ها تحقیق و انتظار کشیدن است که بتوانند صحنه هایی را که مدنظرشان است، فیلمبرداری کنند. اگر از این دیدگاه نگاه کنیم، می بینیم مشکل این سال ها یعنی بودجه، پس بودجه مساله مهمی است. دیگر بعد از سال ها مستندسازی می دلم فیلم مستند چگونه است و فیلم داستانی چیست، واقعیت این جاست که فیلم با خوب است یا بد و می تواند متکی بر مستند یا داستان یا هر دو آن ها باشد. کسانی که می گویند فیلم یا باید مستند یا داستانی باشد، نشانه عدم آگاهی آن ها از امکانات و بیان سینماست. این نوع افراد سینما را خوب نمی شناسند و می توان گفت این طرز حرف زدن در حد ندانستن است.

۳ من وقتی شروع به کار کردم بحثی به اسم تحقیق در فیلم مستند مطرح نبود، کم کم به این جا رسیدیم که محقق لازم داریم، فهمیدیم که محقق کافی نیست و او باید با زبان سینما هم آشنا شود. حالا کم کم باید به این جا برسیم که محقق باید زمان تحقیق و اطلاعات کافی داشته باشد که بتواند به درستی راهنمایی کند و در پی آن فیلم با باید زمان و بودجه کافی نیز داشته باشند برای این که بتوانند آن چیزی را که در تحقیق مطرح شده، انجام دهند. این ها مسائلی است که فکر می کنم اگر برنامه ریزی های بلندمدت برای آن صورت بگیرد و هدف، نتیجه گیری از امروز به فردا نباشد. آن وقت می توانیم امیدوار باشیم فیلم های مستند ما هم کیفیت بهتری خواهند داشت و با فیلم ها و برنامه های مستند حرفه ای که در شبکه های خارجی می بینیم قابل مقایسه خواهند بود.



پایان بندی استادانه

در آخرین روز جشنواره دو کتاب از استاد ضابطی جهرمی و فرهاد وهرام رونمایی شد

سالی که از زمان ساخت این مستند می گذرد، یک تاریخ است برای سینمای ایران و امروز ارزش آن مشخص می شود. ارد عطاری پور هم گفت: «دغدغه های ما در سینمای مستند در این کتاب پاسخ داده شده است. از مفهوم و تعریف سینمای مستند بگیرد تا جزئیات دیگر درباره مرزهای سینمای مستند.» ضابطی جهرمی هم درباره محتوای کتاب خود گفت: «۴۰ سال است در کار پژوهش برای توسعه دانش سینما در کشور هستم. امروز به سی و ششمین کتابم رسیدم. این کتاب مجموعه ای از مقالات، درس گفتارها و سخنرانی های بنده در طول یک دهه است.»

کتاب «پژوهش ها و اندیشه های سینمایی» نوشته احمد ضابطی جهرمی و «پایل راه تراز» نوشته فرهاد وهرام در واپسین روز جشنواره دهم به جمع آثار تازه منتشر شده در حوزه کتب تخصصی سینما پیوستند. در این نشست که با حضور نویسنده دو کتاب و ارد عطاری پور در مقام کارشناس برگزار شد، وهرام ابتدا مروری بر مراحل ساخت مستند «تراز» در سال ۶۴ داشت که بر مبنای آن «حالا کتاب» پایل راه تراز» تدوین شده است. در ادامه ضابطی جهرمی که در مقام تدوینگر برای مستند «تراز» با وهرام همراهی داشته، گفت: «زمان ساخت این مستند همه ما جوان بودیم. ۳۰

قاب‌های ماندگار

ایده‌ای که در همه دوره‌های جشنواره سینماحقیقت به نوعی تکرار و حالا تبدیل به جزئی ثابت از محل میزبانی این رویداد شده؛ دیوار مستندسازان است. ایده‌ای که البته چنین اسمی صرفاً توصیفی‌ماز آن است و شاید بتوان نام‌های بهتری هم برای آن برگزید. دیواری که تصویر تمام مستندسازان حاضر در جشنواره اعم از باسابقه‌ها و تازه‌کارها در کنار یکدیگر بر آن نصب شده و حس و حالی خاص را از کنار هم نشیینی به بازدیدکنندگان القا می‌کند. چهره‌های خندان و مصمم مستندسازان بر این دیوار خلاصه تمام شعار و پیامی است که می‌توان آن را در دگرترین جشنواره سینماحقیقت قلمداد کرد. قاب‌هایی که سال به سال بیشتر می‌شود و فضای بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد.



جایزه ویژه



در آخرین روز جشنواره خبری جالب منتشر شد. بنابر این خبر در مراسم اختتامیه دهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت سامانه اینترنتی «فیلم‌نت» به سه اثر برتر دهمین جشنواره سینماحقیقت جایزه هفت میلیون تومانی اهدا می‌کند. سامانه «فیلم‌نت» به مدیرعاملی محمد صراف با هدف حمایت از مستندسازان و آثار مستند در سینمای ایران، به سه نفر از صاحبان آثار برتر دهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت مبلغ هفت میلیون تومان (در مجموع ۲۱ میلیون تومان) جایزه می‌دهد. این سامانه در دوره پیشین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت هم به نفرات دوم بخش مسابقه ملی در سه بخش مستندهای بلند، نیمه‌بلند و کوتاه، مبلغ پنج میلیون تومان (در مجموع ۱۵ میلیون تومان) جایزه اهدا کرده بود. این جوایز در مراسم اختتامیه این رویداد فرهنگی که امروز یکشنبه ۲۱ آذر برگزار می‌شود با حضور محمد صراف، مدیرعامل سامانه «فیلم‌نت» به برگزیدگان اهدا خواهد شد.

اتفاق روز

قصه یاروایت

نشست نقد و بررسی فیلم سینمای «آوانتاژ» در آخرین روز جشنواره در حالی برگزار شد که خسرو نقیبی، منتقد این نشست، ضمن تمجید از کلیت فیلم درباره محتوا و روایت آن دست روی نکته متفاوتی گذاشت. نقیبی معتقد است: «داستان گویی فیلم در اجرا می‌توانست داستانی‌تر باشد. مثلاً بازی فوتبال می‌توانست محور اصلی باشد و بعد آرام آرام در جریان دغدغه و فردیت آدم‌ها قرار بگیریم. اتفاقات دراماتیک می‌توانست در زمین رخ دهد و این به نظرم سینمایی‌تر بود. از این نظر احساس می‌کنم آن قدر که تصاویر ویژه است، روایتش ویژه نیست.» در پاسخ به این نکته، محمد کارت این گونه توضیح داد: «اگر نام فیلم آوانتاژ است، به دلیل فضای فوئبالی نیست، بلکه از نظر تماتیک به آن توجه داشتیم. اگر می‌خواستیم مسابقه فوتبال را محور قرار می‌دادم، هدف آدم‌ها کم می‌شد. اتفاقاً یک بار هم با همین مدل کار را را تدوین کردیم و یک مدل داشتیم که کار با فوتبال شروع می‌شد، اما احساس کردیم با تدوین فعلی، کار موثرتر است. آدم‌ها در فیلم به گونه‌ای نبودند که بتوانیم آن‌ها را از هم سواکنیم و یکی یکی سراغ‌شان برویم. هیچ کدام از آن‌ها کاراکتر نبودند و باید در قالب جمع آن‌ها را می‌دیدیم.

نامزدهای خوش‌شانس



بعد از اعلام نامزدهای دو بخش اصلی، هیأت داوران بخش هنر و تجربه هم روز گذشته نامزدهای خود را اعلام کرد؛ «پهلماسی شکست‌ناپذیر آقای نادری» به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم و تهیه‌کنندگی بهتاش صناعی‌ها، «ننا» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدرضا وطن‌دوست، «سفر سهراب» به کارگردانی امید عبدالمی و تهیه‌کنندگی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، «آوانتاژ» به کارگردانی محمد کارت و تهیه‌کنندگی محمد کارت و آبان عسکری و «مسافران» به کارگردانی محمود رحمانی و تهیه‌کنندگی کتابون شهبلی و محمود رحمانی فیلم‌های منتخب گروه هنر و تجربه به عنوان نامزدهای این بخش هستند. در دهمین جشنواره مستند سینماحقیقت به فیلم برگزیده گروه هنر و تجربه، یک تندیس و هشت میلیون تومان جایزه نقدی اهدا می‌شود. سال گذشته این تندیس و جایزه به فیلم مستند «فصل هرس» ساخته لقمان خالدی تعلق گرفت. نکته جالب درباره این فهرست شانس بالای این آثار برای بهره‌مند شدن از ظرفیت ایران در گروه هنر و تجربه در طول سال است.

خبر روز

چهره‌ها

عباس کیارستمی
یادماندگار

نه فقط به واسطه مستند سیف‌الله صمدیان که به واسطه یادکرد مکرر مستندسازان، یاد و خاطره عباس کیارستمی و هنرمندی‌هایش در جشنواره دهم سینماحقیقت زنده و جاری بود.

جیان فرانکورزی
محبوب اسکاری

در میان فیلم‌های بخش بین‌الملل هم بیشترین مخاطب در جشنواره دهم را مستندهای جیان فرانکورزی داشت که توانست برای دو نوبت سانس ویژه را از آن خود کند.

سحر مصیبی
رگورددار

فهرست کاندیداهای بخش ملی که جای خود دارد، مستند «سفر تاسکو» به کارگردانی سحر مصیبی به لحاظ استقبال مخاطب رگورددار بخش ملی شد.

Moments of Life

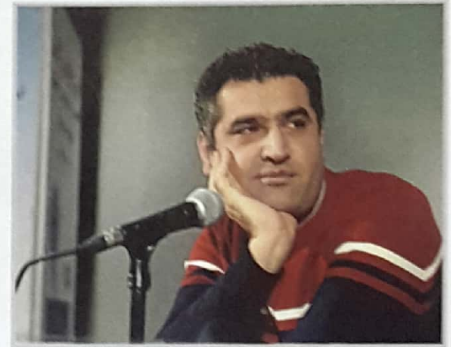
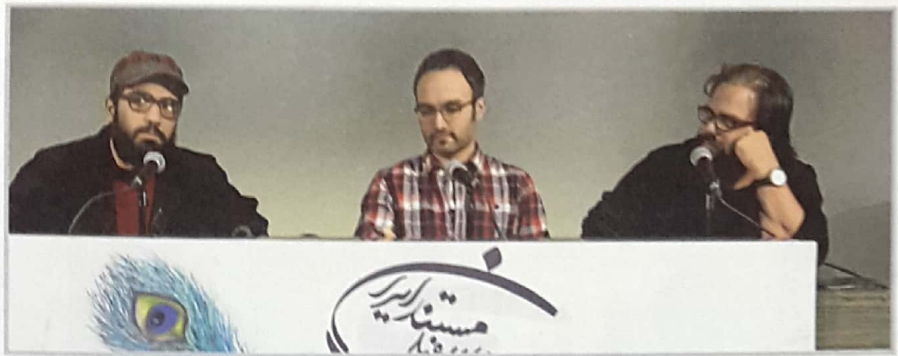
Nights of Criticism" (Q & A sessions) of three documentaries was held on the last day of Cinema Verite Festival. Khosrow Naghibi was the film critic of the session while Mohammadreza Moghadassian like everynight hosted the session. The fist film was "50-year-old" which was about the last months of Morteza Nedayi's life directed by his daughter Saba Nedayi. Just four days after we were informed about daddy's tumor, the doctor showed me a white point on the radiology's image from his head and told me this is the blackest point you have ever seen and your father won't be lived more than next seven month. From that time I decided to turn on my camera and record everything; I could make film from two POVs; Morteza Nedayi as a filmmaker whose works are memorable or as an artist. I emphasized his way of living." Saba Nedayi.

مجری کارشناس شب آخر:

محمد رضا مقدسیان

منتقد شب آخر:

خسرو نقیبی



لحظه‌های زندگی

«شب‌های نقد» در آخرین روز از جشنواره دهم سینما حقیقت به نقد و بررسی سه فیلم اختصاص داشت

اعتراض وارد نیست

موضوع فیلم: مهاجران افغانستانی

کارگردان: فرناز و محمد رضا جورابیچی

محمد رضا جورابیچی:

فکر می‌کنم مساله مهم درباره فیلم این است که پیشنهاد تازه‌ای را مطرح می‌کنند. در مواردی شاید برخوردی ناسیونالیستی با فیلم شود، اما فیلم در این زمینه غریبی ندارد و تنها در حال روایتگری است. اگر این گونه با قاضیه برخورد کنیم که این جنس روایت ضد ما ایرانی‌هاست، به نظر در اشتباه هستیم. فیلم هیچ سیاه‌نمایی‌ای ندارد و مشکل قوانین است.

فرناز جورابیچی:

فیلم را طی چهار سال ساختیم و زندگی پنج مهاجر افغان را نشان می‌دهد که در زمین‌های تیس تپ جمع می‌کنند، اما آرام آرام در تیس پیشرفت کرده‌اند و از جایی به بعد به دلیل مشکلات قانونی نمی‌توانند بیشتر پیش بروند و با موانعی روبه‌رو می‌شوند.

این فیلم درباره مهاجران است و شاید این مهاجران در ایران باشند یا هر جای دیگر دنیا. از آن جا که تجربه مهاجرت داشته‌ام، خیلی آن‌ها را درک می‌کنم و تلاش بسیاری کردم تا به این سمت که بگویم ببینید وای این‌ها چقدر بدبخت هستند و چقدر تحت ظلم‌اند. شخصیت‌های ما فقط می‌خواهند زندگی کنند و فیلم می‌گوید این آدم‌ها به کشور ما مهاجرت کرده‌اند و با این شرایط روبه‌رو هستند.

نقیبى:

امتیاز «اعتراض وارد نیست» ایده مرکزی آن است. اولاً جایی می‌رود که خیلی ناشنیده است و آدم‌هایی که اهل تیس‌بازی در ورزشگاه انقلاب نباشند، شاید اصلاً با این مدل آدم‌ها مواجه نشده باشند. پارادوکس میان ورزش لاکچری تیس و وضعیت این افراد جذاب است. با این همه، اما فیلم پیش از اندازه‌ای که لازم دارد، طولانی است. فیلم پایان‌بندی خوب و جهانی دارد، اما دیر اتفاق می‌افتد و از منظر سلیقه من می‌توانست کوتاه‌تر باشد. فیلم به قدر کافی کنج‌کاری برای تماشا دارد که همین ایده تبدیل به برگ برنده‌اش می‌شود.

اصولاً این که فیلم بابت دلسوزی به مخاطب باج نمی‌دهد و همان ابتدا تکلیفش را با او مشخص می‌کند، معلوم است که خواسته‌های بیش از مستندهای مشابه دارد. از مقوله مهاجرت گویبی عبور می‌کند و به طرح موضوعی کلان‌تر می‌پردازد که امتیاز مهمی است.

برد-برد

موضوع فیلم: بازتاب مذاکرات هسته‌ای در یک جامعه روستایی

کارگردان: محسن خانجهرانی

خانجهرانی:

ایده برد-برد در نوروز ۹۴ شکل گرفت. در روستایی بودم که همه مردم درباره پیامک‌های رییس جمهور حرف می‌زدند. درباره این که فکر می‌کردند تنها برای این روستا پیامک داده و در میان آن‌ها فردی بود که نگران بود چرا برای خودش پیامک نیامده است. داستان اولیه فیلم همین بود و نام اولیه هم «نوروز» بود. اما در نوروز همان سال مذاکرات هسته‌ای هم اوج پیدا کرد و احساس کردم این داستان هم‌زمان با اختلاف دو روستا بر سر آب می‌تواند محور باشد و پیامک تبدیل به یک داستان فرعی شد.

اعتراض صادقانه‌ای می‌کنیم و آن این است که فیلم در واقع یک مستند ۶۲ دقیقه‌ای است، اما چون می‌خواستیم فیلم را به فجر هم ارایه دهیم آن را به ۷۰ دقیقه رساندیم که این موضوع به فیلم ضربه زد و فکر می‌کنم اگر این دقیقه نبود، شاید فیلم بهتری می‌شد و آقای نقیبی هم از دیدن آن خسته نمی‌شد.

اصلاً عمدی در این نداشتم که بخوام زبان طنز در کار داشته باشم. همه چیز در حالت واقعی داشت اتفاق می‌افتاد و کلاً این روستا موقعیت جالبی داشت و خیلی نسبت به سیاست و کنش‌نشاس می‌دادند. اتفاقاتی که به صورت طنز رخ می‌دهد، کاملاً عادی است.

نقیبى:

به نظرم مستند برد-برد برای حجم زمانی‌ای که دارد متره‌بند و داستان کم دارد. به لحاظ ایده مرکزی هم احساس می‌کنم با یک ایده سنتی مواجهیم، از این نظر فیلم من را درگیر نکرد. شاید برای این که داستان گویبی بیشتر برایم اهمیت دارد. فیلم بیش از اندازه روی برخی ایده‌ها متوقف می‌ماند و زمان زیادی را صرف ماه‌های داستانی پراکنده‌اش می‌کند. از ایسن منظر فیلم کمی برایم خسته‌کننده بود.

نگته‌ای که در فیلم مشخص است، خود آگاهانه این اتفاقات است، به همین دلیل می‌توانم بگویم جایی که فیلمساز آگاهانه ایستاده را دوست دارم یا ندارم. چون همه چیز آگاهانه در آن اتفاق افتاده، راحت‌تر می‌توانم درباره دوست داشتن یا نداشتن آن اظهار نظر کنم.

۵۰سالگی

موضوع فیلم: روایتی از ماه‌های پایانی زندگی مرتضی ندایی

کارگردان: صبا ندایی

ندایی:

چهار روز بعد از اطلاع از تومور بایا، دکتر نقطه سفیدی را روی تصویر رادیولوژی از سر بایا نشانم داد و گفت این سیاه‌ترین نقطه‌ای است که در عمرت دیدهای و پدرت هفت ماه بیشتر زنده نیست از همان زمان تصمیم گرفتیم دوربین را روشن کنیم و از لحظه‌های فیلم بگیریم. نمی‌دانستیم چرا، اما از همه چیز فیلم می‌گرفتم.

از دو نگاه می‌شد این فیلم را ساخت. مرتضی ندایی به عنوان فیلمساز و کسی که آثارش ماندگار است یا به‌عنوان یک شخص هنرمند. سوال این بود که آیا می‌خواهیم با آثارش او را بشناسیم یا با زندگی‌اش. دیدگاهم این بود که هنرمند بسیار مهم‌تر از آثارش است، به همین دلیل تمرکز ما روی زیستن پدرم گذاشتم. پدری که سعی داشت در حوزه هنر آدم‌سازی کند و پلی باشد برای عبور دیگران.

مژگان صیادی:

همسر مرتضی ندایی و تصویربردار:

زمانی که مرتضی مریض شد و متوجه شدیم هفت ماه بیشتر زنده نیست، می‌دانستیم او فیلمی در دست دارد که باید به پایان برساند. من می‌دانستم اگر او را وارد بسازی کنم، انرژی بیشتری برای ادامه راه دارد. تلاش کردیم برای بازگشت به زندگی کمکش کنیم. این هدف اصلی ما از ضبط تصاویر مرتضی بود و در ابتدای ساخت فیلم نداشتم.

سعی کردم دوربینم را به سمت مرتضی روشن کنم، نه به خاطر ساخت یک فیلم، بلکه به این دلیل که احساس می‌کردم این تنها کاری است که می‌توانم در ماه‌های آخر انجام دهم. می‌خواستیم او را برای خودش، بچه‌ها و نوه‌هایش ثبت کنیم. زمانی که پشت دوربین قرار می‌گیرم، کاملاً از فضا کنده می‌شوم. کاملاً خودم را گس دیگری می‌دانم که دیگر همسر مرتضی نیست و این کمکم کرد تا پشت دوربین احساساتی نشوم.

بعد از فوت مرتضی، کار را به صبا سپردیم که کار بسیار دشواری برای او بود تا این که بهادر به‌عنوان تدوینگر با ما همراه شد و حس و حال ما را درک و در تدوین این حس و حال را به فیلم منتقل کرد.

Great Winners of "ADN" Institute

Special Prize of Europe Documentary Channel Was Allocated to Mina Bozorgmehr and Hadi Kamali Moghaddam The international section of 10th Iran International Documentary Film Festival, Cinema Verite provided an opportunity for young filmmakers to meet international investors. These meetings were held by cooperation of AND company. Every each filmmaker had 30-minute time to receive advice from the experts. The documentarists had sent their film primary ideas to AND company before the festival was run. From these twenty ideas which were sent to the company, ten ones were selected in the first stage and among them one proposal has been selected as a winner of special prize of Europe Documentary Channel.



برندگان بزرگ موسسه «ای دی ان»

جایزه ویژه شبکه مستند اروپا به مینا بزرگمهر و هادی کامالی مقدم تعلق گرفت

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

شده و جای آن برج ساخته‌اند. حالا قصه‌ای که ما قرار است روایت کنیم، دقیقاً از همین نقطه شروع می‌شود. در واقع ما با اکبر ناظمی همراه می‌شویم تا فیلم‌ها را پیدا کند. فارغ از این که این فیلم‌ها پیدا می‌شوند یا نه، «حلقه‌های گمشده» قرار است روایت‌کننده این جست‌وجو باشد. هادی کامالی مقدم و مینا بزرگمهر پیش از این مستند «جنبل» را ساخته‌اند که فعلاً به نمایش درنیامده است. آن‌ها ساخت چند مستند کوتاه را در کارنامه خود دارند و حلقه‌های گمشده قرار است یک مستند بلند از آن‌ها باشد.

تجربه مشاوره با شبکه مستند اروپا
خاطره حناچی یکی از کسانی است که طرحش در مرحله اول پذیرفته شد، اما نتوانست جایزه ویژه شبکه مستند اروپا را به دست بیاورد. او در این باره می‌گوید: جایزه ویژه شبکه مستند اروپا تجربه خوبی در جشنواره سینماحقیقت امسال بود. با این که پروژه من از طرف مشاوران «ای دی ان» انتخاب نشده، اما ایده‌های خوبی از این افراد دریافت کردم؛ ایده‌هایی درباره چگونگی تولید اثر، رعایت جنبه‌های بصری و اثربخشی بیشتر مستند که اطلاعات زیادی از تولید یک اثر موفق به من داد.

فکر می‌کنم یکی از بهترین بخش‌های جنبی این جشنواره حضور مشاوران ای‌دی‌ان بود. این مشاوران در طول مدت گفت‌وگو با افرادی که پروژه‌های خود را برای معرفی ارایه می‌کردند، اطلاعات و ایده‌های خوبی به آن‌ها ارایه دادند. این ایده‌ها یکی از نیازهای اساسی فیلمسازان ایران است و در ارتقای کیفیت آثار نقش موثری خواهد داشت. از تباطی که بین گروه ای‌دی‌ان و بچه‌ها در این چند روز شکل گرفت، بسیار موثر بود و در ذهن همه خواهد ماند.

فرزاد جمشیدی هم یکی دیگر از مستندسازهایی است که شانس خودش را برای برنده شدن این جایزه امتحان کرده بود. او درباره این تجربه گفت: این جلسات برای فیلمسازان اول و کسانی که تجربه حضور در جلسات مشاوره در سطوح بین‌الملل را ندارند، بسیار مفید بود. هر چند زمان مشاوره کم بود، اما به معنای واقعی مشاوره اجرا شد و هر آن‌چه امکان داشت را دریافت کردیم. افرادی که در این برنامه حضور داشتند، در سطوح بالای جهانی، جلسات مشاوره اجرا می‌کنند و ایده‌های قابل قبولی ارایه می‌دهند. بی تردید اگر این پروژه را جای دیگر بخوایم ارایه دهیم، این ایده‌ها را در آن اعمال می‌کنیم. این ایده‌ها در تولید مستند به من کمک بسیاری خواهند کرد.

بخش بین‌الملل جشنواره فیلم سینماحقیقت در آخرین روز، فرصتی فراهم کرد تا فیلمسازان جوان بتوانند با سرمایه‌گذاران خارجی دیدار داشته باشند. این دیدارها با همکاری شرکت ای‌دی‌ان برگزار شد. هر فیلمساز ۳۰ دقیقه فرصت داشت تا مشاوره‌هایی را از کارشناسان دریافت کند. این فیلمسازان قبل از شروع جشنواره طرح فیلم‌هایشان را برای موسسه «ای دی ان» فرستاده بودند. از بین ۲۰ پروژه‌ای که ارسال شده بود، در مرحله نخست ۱۰ پروژه در نهایت از میان آن‌ها یک طرح برنده جایزه ویژه شبکه مستند اروپا باشد.

کمالی مقدم هستند که قرار است به صورت مشترک فیلم «حلقه‌های گمشده» را بسازند. آن‌ها انتظار این جایزه را نداشتند و در ادامه می‌گویند: باور نمی‌کردیم بتوانیم این جایزه را ببریم. این طرح پیش از این در موسسه ZDF قبول شده بود که البته در مرحله دوم رد شد. بعد از آن و پیش از شروع جشنواره حقیقت، فراخوانی برای ارایه طرح فیلم‌های مستند آمد.

ما هم طرح را آماده داشتیم و ارسال کردیم. قبل از این که شروع به نوشتن طرح کنیم با چند نفر متخصص این حوزه حرف زده بودیم. آن‌ها نکات و ایده‌های جذابی به ما گفته بودند که همین باعث شد تا یک طرح قابل قبول بنویسیم. مشاوره‌هایی که «ای دی ان» قرار است به ما بدهد، واقعا با هیچ کارگاهی قابل مقایسه نیست. درست است که این موسسه به صورت مستقیم بودجه‌ای در اختیار نمی‌گذارد، اما انتقال تجربیات و استفاده از مشاوران به مراتب می‌تواند در ساخت یک مستند مفید واقع شود. این که بتوان با یک گروه بین‌المللی کار کرد، فکر می‌کنم اتفاق خوبی است که در این جشنواره ما به آن دست پیدا کردیم.

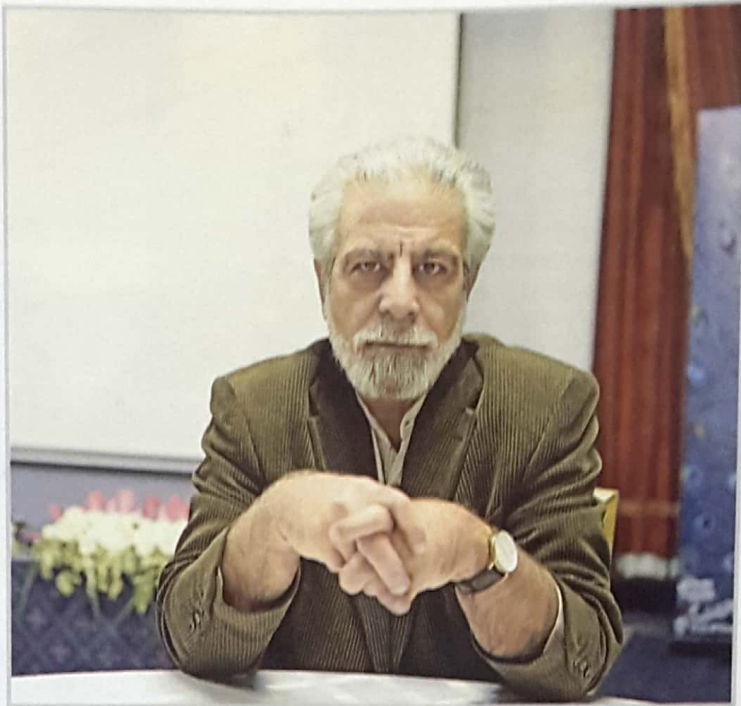
فیلم‌هایی که گم شده‌اند

هادی کامالی مقدم در مورد داستان این مستند که قرار است با مشاوره شبکه مستند اروپا ساخته شود، می‌گوید: داستان در مورد یک عکاس به نام اکبر ناظمی است که عکس و فیلم‌های زیادی دارد، اما بنا بر دلایلی ترجیح می‌دهد برخی از آن‌ها را استفاده نکند. او این فیلم‌ها را در حیاط خانه‌اش دفن می‌کند و منتظر می‌ماند تا یک زمانی آن‌ها را از خاک بیرون بیاورد و استفاده کند. اکبر ناظمی بعد از چند سال به کانادا مهاجرت می‌کند و بعد از طریق برادرش متوجه می‌شود که خانه به فروش رفته است. او به این امید که به ایران برمی‌گردد و فیلم‌ها و عکس‌ها را برمی‌دارد، اهمیت چندانی به موضوع نمی‌دهد. ناظمی بعد از مدتی متوجه می‌شود که خانه خراب

داوری‌ها بسیار سخت بود
لحظه اعلام برنده جایزه ای‌دی‌ان، لحظه جالبی است. ۱۰ فیلمساز طرح‌هایشان را ارایه می‌دهند و منتظرند تا نتیجه نهایی اعلام شود. اوه یانسن، مدیر کارگاه مشاوران ای‌دی‌ان نیز همین نظر را دارد و فیلم‌ها را نزدیک به هم می‌داند. او می‌گوید: برای داوری و قضاوت کار سختی داشتیم. تمام فیلم‌هایی که انتخاب کرده بودیم، موضوعات جذابی داشتند، اما در نهایت ما باید به یک فیلم این شانس را می‌دادیم تا برنده جایزه ویژه «ای دی ان» شود. جلسات بسیار فشرده بود و ما ۸ جلسه را در دو ساعت برگزار کردیم. در نهایت فیلم «حلقه‌های گمشده» با توجه به موضوع جذاب و ارایه خوبی که داشت، توانست برنده این جایزه شود. او در ادامه توضیح می‌دهد که فیلم‌های مستند ما را به جایی می‌برد که هرگز نپوشیده‌ایم و به آن دسترسی نداشتیم. دسترسی به فیلمسازها در واقع دسترسی به قلب مستند است و از این جهت جلسات مشاوره فردی برای دریافت جهان‌بینی مستندسازها بسیار مهم است. یانسن در ادامه از ملاک‌های داوری می‌گوید: یکی از مهم‌ترین موضوعات برای داوری‌ها این بود که موضوع فیلم بتواند ابعاد جهانی داشته باشد. فیلم «حلقه‌های گمشده»، داستانی است برآمده از مردم ایران، اما می‌تواند به خوبی پیامش را به مردم دنیا برساند. اوه یانسن همچنین در مورد امکاناتی که موسسه «ای دی ان» در اختیار برنده این جایزه قرار می‌دهد، می‌گوید: فردی که این جایزه را برنده شده به عضویت «ای دی ان» درمی‌آید. او همچنین می‌تواند از جلسات رایگان مشاوره این موسسه استفاده کند. ما به او کمک می‌کنیم تا از طریق شبکه‌های ارتباطی مختلفی که داریم، بودجه فیلم را برایش تامین کنیم. در واقع ای‌دی‌ان به صورت غیرمستقیم به تامین بودجه فیلم کمک می‌کند و باعث می‌شود منابع مالی تامین شود.

برنده جایزه بزرگ چه کسانی بودند؟

اما برندگان این جایزه بزرگ مینا بزرگمهر و هادی



Judgment Based on Films' Expressive Aspects and Aesthetics

Manouchehr Shahsavari talked about quality of films in 10th Iran International Documentary Film Festival-Cinema Verite and the criteria for judgement. Manouchehr Shahsavari is one of the jury board members of 10th Cinema Verite. He is a creditable person in Iranian Feature Cinema while he is now the Manager of House of Iranian Cinema (Khaneh Cinema). His personal interest to documentary cinema has been caused to follow the works of younger documentarists. "I have a chance to watch many documentaries during a year; of course it is my personal interest also I think the important part of the experiences of Iranian cineastes is presented in documentary cinema. For me, the way of expressing of the films is so important while expressive aspects and aesthetics are important too.

یکی از مسایلی که باعث تعجب مستندسازان خارجی در جشنواره می شد این بود که تعداد مستندسازان ایرانی و فیلم های مستند بسیار زیاد است. شما ساخت این حجم از فیلم مستند را چگونه ارزیابی می کنید؟ در واقع این که ما تعداد زیادی مستندساز داریم، اتفاق خوبی است؟

من فکر می کنم این موضوع فقط در باره فیلم های مستند و جشنواره سینما حقیقت نیست. در حوزه فیلم های کوتاه داستانی هم همین اتفاق افتاده است، حتی فیلم های سینمایی بلند هم درگیر این موضوع هستند. من این فرصت را دارم که گاهی فیلم های افراد جوان و کسانی را که می خواهند در مقام کارگردان وارد سینمای حرفه ای شوند، ببینم. آن جا هم با مجموعه وسیعی از استعداد های درخشان روبرو هستیم که در راه ورود به سینما هستند. شاید درست این باشد که فکر کنیم سینما در ایران از چنان قوتی برخوردار شده که تبدیل به یک هدف برای خیلی از علاقه مندان هنری و فرهنگی شده است. حالا جوانانی که فکر می کنند حرفی برای گفتن دارند، شروع به فیلم ساختن می کنند. فارغ از این که بخواهم قضاوت کنم که این موضوع تا چه اندازه خوب یا بد است، به این فکر می کنم که یک موج وسیع و قدرتمندی برای علاقه مندان به وجود آمده که این میدان را برای خودشان یک میدان قابل اعتنای دانند.

پس شما موافق زیاد شدن روز بروز فیلمسازان حوزه مستند هستید؟ این سوال را از این جهت می پرسم که خیلی ها معتقدند در حوزه مستند هر کسی که یک دوربین دست گرفته و تصاویری را ثبت کرده، خودش را مستندساز می داند.

من در مجموع این موضوع را به فال نیک می گیرم و فکر نمی کنم رشد زیاد فیلمسازها به عنوان مانع عمل کند، بلکه رشد کمی سینماگران باعث توسعه زبان سینمایی ما خواهد شد.

در گفت و گو می که با یکی از فیلمسازان آلمانی داشتیم به این نکته اشاره کرد که سینمای مستند در آلمان روز به روز در حال کمرنگ شدن است، چون چرخه اقتصادی مناسبی ندارد. با این پیش فرض حال سینمای مستند ایران چگونه است؟

در ایران مجموعه سازمان های سرمایه گذاری مثل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی باعث شده سینمای مستند رونق پیدا کند و افراد بتوانند راحت تر فعالیت کنند. ضمن این که هیچ گاه به سینمای مستند، دیدگاه اقتصادی وجود نداشته است. بچه های مستندساز تلاش های بسیاری کردند تا زمینه نمایش فیلم های شان را در داخل و خارج از کشور فراهم کنند. اما فکر می کنم سینمای مستند ظرفیت های اقتصادی پنهانی دارد که ما هنوز به آن دست پیدا نکردیم.

در باره بازار بین المللی که در حاشیه جشنواره وجود داشت، کمی برای مان توضیح دهید. این که سینماگران جوان با شرکت های خارجی و تهیه کنندگان غیر ایرانی کار کنند تا چه اندازه مهم است؟

حافل در تجربه ای که اخیراً در انجمن سینماگران جوان در خانه سینما صورت گرفت باید بگویم تجربه خوبی بود که می تواند برای سینمای ایران مفید باشد. به هر حال از تبادلات بین المللی مرسوم است که باعث می شود بدنه سینما قدرتمند شود.

نفس و کونه
بیان کردن
فیلم ها
برای من اهمیت دارد.
از طرفی و همه بیانی و زیبایی شناسانه کار برایم مهم است. همه اعضای هیات داوران هم بر این موضوع تاکید داشتند و به طور مرموزی این مورد را در نظر گرفتند. نتایج هم که اعلام شود، این وقت و تیره کاملاً دیده خواهد شد

بچه های مستندساز تلاش های بسیاری کردند تا زمینه نمایش فیلم های شان را در داخل و خارج از کشور فراهم کنند. اما فکر می کنم سینمای مستند ظرفیت های اقتصادی پنهانی دارد که ما هنوز به آن دست پیدا نکردیم

داوری بر اساس وجوه زیبای شناسی فیلم ها

منوچهر شاهسواری از کیفیت فیلم های جشنواره دهم سینما حقیقت و ملاک های داوری آثار می گوید

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

منوچهر شاهسواری یکی از داوران دهمین جشنواره سینما حقیقت است. کسی که در سینمای داستانی چهره های شاخص است و این روزها به عنوان مدیر عامل خانه سینما مشغول به کار است. علاقه شخصی شهسواری به سینمای مستند باعث شده تا او کار فیلمسازان جوان را همیشه دنبال کند. این گفت و گو با محوریت کیفیت فیلم های جشنواره امسال و نحوه داوری آن هاست که در ادامه آن را می خوانید.

کمی در باره فیلم ها برای مان توضیح دهید. فیلم های امسال از نظر تنوع سوژه چگونه بودند؟

من این شناسی را دارم که در طول سال فیلم های مستند زیادی را ببینم، البته این موضوع هم به دلیل علاقه شخصی است و هم این که فکر می کنم بخش مهمی از تجربه های سینماگران ایرانی در بخش مستند متبلور می شود. گاهی اوقات از طریق سینمای مستند و فیلم های مستند دقت هایی را می بینم که می تواند در تجربیات ساخت دیگر فیلم ها به کار بیاید. درست است که هنوز حجم بیشتری از فیلم های مستند به مسایل اجتماعی می پردازد و البته که طبیعت اصلی سینمای مستند هم همین است، اما این توجه به مخاطب و بدنه سینما همچنین پرداخت طنزانه به موضوعات و... برای من بسیار جالب بود. به نظر می آید سینمای مستند ایران علاوه بر همه وجوه پژوهشی، زیبایی شناسی، مردم شناسی و برخی اوقات تحقیقاتی اش به این که چگونه آن را بسته بندی کند تا تماشاگر لذت ببرد و با او همراه و همگام باشد، ارزش قائل می شود و این موضوع بسیار قابل تقدیر است. این اتفاق می تواند بدنه سینمای مستند را که گنگام های زیادی هنوز در آن وجود دارند، موفق و پابرجا کند.

در داوری ها چه مسایلی برای شما از اهمیت ویژه ای برخوردار بود؟

نفس چگونه بیان کردن فیلم ها خیلی برای من اهمیت دارد. از طرفی وجوه بیانی و زیبایی شناسانه کار برایم مهم است. همه اعضای هیات داوران هم بر این موضوع تاکید داشتند و به طور جدی این مورد را در نظر گرفتند. نتایج هم که اعلام شود، این وقت و تیره کاملاً دیده خواهد شد.

جای خالی چه سوژه هایی در دهمین جشنواره سینما حقیقت حس می شد؟

به جای این که بگویم چه سوژه هایی جای شان خالی بود، بهتر است بگویم تحقیق همه جانبه و در همه ابعاد، قضیاتی بود که در همه کارها به عنوان کمبود دیده می شد، چون تحقیق همه جانبه باعث فهم بهتر موضوع می شود. البته این نکته نیازمند یک کار جدی است که خود بچه های مستندساز باید برای آن کاری کنند. آن ها باید با فیلم های شان به جوامع متخصص در حوزه های پژوهشی پیوندند و ارتباط های خودشان را وسیع تر کنند. این کار باعث می شود فکرشان وسعت پیدا کند. آن وقت است که نه مرعوب سوژه می شوند و نه مجذوب آن، بلکه بیان کننده حقایق آن سوژه می شوند.

سینمای حقیقت دروغ نمے گوید

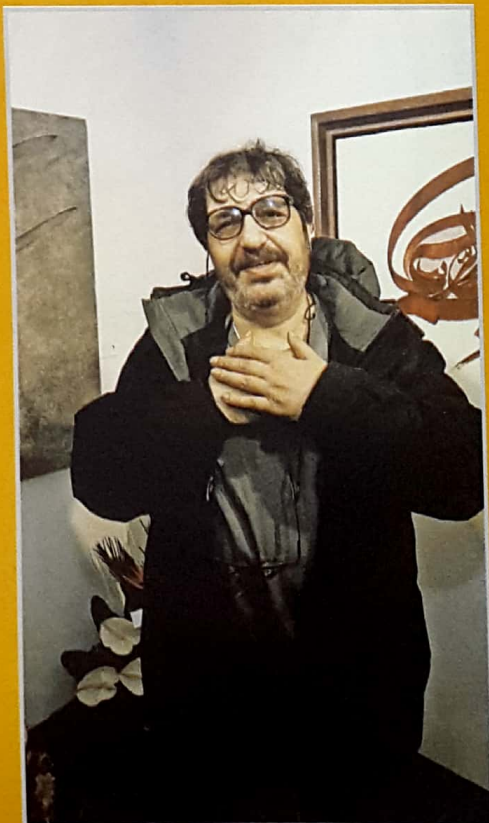
محمد صالح علامی گوید مدت هاست از سینمای درام ناامید شده و به این نتیجه رسیده که انگار سینما را از اول برای مستند اختراع کرده اند. گفته های او درباره سینمای مستند خواندنی است

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

گفت و گو کردن با محمد صالح علا از آن دست اتفاقی های دوست داشتنی است، مخصوصا اگر قرار باشد درباره سینما با او حرف بزنیم. صالح علا با جمله های شعرگونه اش می تواند دنیای تازه ای از سینمای حقیقت را برای مان ترسیم کند. ادبیاتش منحصر به خود او است و در طول مصاحبه بارها از زلفی که با سینمای حقیقت گره زده، حرف می زند. صالح علا که این شبها «چشم شب روشن» را در تلویزیون اجرامی کند، به مقوله ادبیات و زیباشناسی اهمیت ویژه ای می دهد و قرار است در ادامه این برنامه، توجه ویژه تری به آیت های مستند داشته باشد، چون مردم به این گونه مستندها علاقه دارند. به قول خودش این روزها دستش در تشت است و فرصت نکرده تا به ساخت یک مستند به طور جدی فکر کند. هرچند می گوید در حوزه سینمای مستند بیشتر یک تماشاچی خوب است و مستند و انیمیشن های خوب را دنبال می کند و از قافله تازه ترین ها جانی ماند. صالح علا در طول مصاحبه بارها با حسرت از عباس کیارستمی یاد می کند. از علاقه اش به نگاه ایران-شهری کیارستمی می گوید و آن را با بالزاک نویسنده فرانسوی مقایسه می کند. او از عکس ها و سینمای کیارستمی تعریف می کند که بی واسطه و بدون هیچ رنگ و ریایی ما را با انسانیت آشنا می کرد. صالح علا خسته از سینمای درام، درباره حقیقتی حرف می زند که گاه با خیال درمی آمیزد و از واقعیت زیباتر می شود؛ مثل نقاشی های آقارضا زبیق که از همه زبیق های دنیا زیباتر بود. گفت و گو نشریه روزانه با محمد صالح علا، مجری، بازیگر، نمایشنامه نویس و ترانه سرارامی خوانید:

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.8. Sun, 11th Dec. 2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7



حقیقت به وقت بازنشستگی

مجید نیکروان، عضو هیات انتخاب

و داوری بخش خرد و تجربه از لزوم توجه
سینما به بازنشستگان می گوید

بازنشستگی یا پایان دوره کارمندی و اشتغال رسمی افراد و دوران بازنشستگی به طور معمول پس از پایان ۳۰ سالگی کارمند آغاز می شود. نگرانی بازنشسته از زمانی شروع می شود که از شغل و کار ۳۰ ساله خود به یکباره فراغت می یابد؛ شغلی که پایگاه اجتماعی، معیشت و ارتزاق او بوده و حال ناگزیر است با همه آن ها بدون هیچ مقدمه ای خداحافظی و واژه بازنشسته را به ابتدای نامش ضمیمه کند. واژه ای که برایش آشنا نیست و به راحتی آثار روحی و روانی آن را هضم نمی کند بعد اقتصادی، تنگناهای مالی و دریافت های ناهماهنگ با هزینه های زندگی، روح نجیب و پر عاطفه اش را از رده می کند. گرانبهاترین سال های عمر را در دستگاہی مشغول به کار بوده که اکنون تجربه های بدست آمده، به فراموشی تاریخ سپرده شده است و حتی دستگاہ محل اشتغال بازنشسته حاضر نیست از تجربه یا خرد وی بهره گیرد. در حقیقت، خرد و تجربه سال های سرد و گرم اشتغال، بی بها در روزگار ناپهنگام به آب رفته است. مطالعه و آواکوی دقیق و هوشمندانه دو موضوع اقتصادی و اجتماعی دوران بازنشستگی در سپهر سینمای مستند ایران، در مقام مورخ مشاهده گر، سرشت حیات اجتماعی افرادی را به ثبت می رساند که نمایه نمای تصاویر آن حاوی پیام های آموزنده برای نسل جوان یا آماده به کار است. ثبت و ضبط این آثار، شاهدهی مکمل برای تغییر و تحریک تصمیمات دیوان سالارانی است که به طور معمول و به سبب سبب روزگار از مشکلات بازنشستگان غافلند. مطالعه، بررسی و تحلیل جوهر زندگی بازنشستگان، بدون قضاوت کردن، ثبت و ضبط سوبه های جدیدی از دیگر روایت های زندگی پیرامون مان است. در نگاه نخست، ممکن است ذهن و اندیشه پژوهشگر و فیلمساز مستند با این موضوع منطبق نباشد، اما می توان رابطه معناداری میان زیبایی شناسی فیلم های مستند و زندگی بازنشستگی و سالمندی ایجاد کرد. اکثر روان شناسان برجسته جهان، مرحله بازنشستگی و پیری را مرحله کمال می دانند. در همین حال، بسیاری از افرادی که بازنشسته می شوند، نگران از بازنشستگی فراخور سمت های کاری زمان اشتغال از تجربه های گوناگونی برخوردار هستند. بیشتر تجربه های اندوخته شده بازنشستگان سترگ و مفید برای جامعه است و آگاهی جامعه از کثرت تجربه های آنان می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات جامعه باشد. بازنشستگان می توانند در کسوت راهنما یا مشاوران باتجربه نقش آفرینی کنند و بسیاری از جوانان تازه نفس و بدون تجربه از منظومه خرد بازنشستگان بهره مند شوند. دستکم بسیاری از مشکلات کشور در بخش های اجتماعی با استفاده از ظرفیت های تجربه و خرد بازنشستگان به مرز تحول مثبت می رسد. همتی کنیم و گاهی لنزهای دوربین های سینما حقیقت را به وقت بازنشستگی زوم کنیم.

Cinema Verite Doesn't Tell Lie

Mohammad Saleh Ala says that he is really disappointed of feature cinema and he has found out that it seems cinema was invented for documentary from the very first. His world about documentary cinema is worthy to read. "Documentary cinema is in the best part of my cultural basket. It is not bad to know that my cultural basket has been disappointed about feature dramas from so long until sometimes I think that cinema was invented for having documentary cinema rather than drama. When we face to cinema we have been excited. We really loved cinema because we explored it but then after big cinemas were made. Buildings of big cinemas were palace of poor kings and people but nowadays I just feel that there is no virtue in dramatic cinema, especially in Hollywood which is demagogic. However, I feel that aesthetics is obvious in animation and documentary cinema and the age of drama has been ended.

می دانیم که شما اهل فیلم دیدن، کتاب خواندن و به طور کلی محصولات فرهنگی و هنری هستید. سینمای مستند در سبب فرهنگی شما چه جایی دارد؟

سینمای مستند در بهترین جای سبب فرهنگی من قرار دارد. بد نیست بدانید سبب فرهنگی من سالهاست نسبت به درام و سینمای درام مایوس شده است، تا جایی که بعضی وقتها فکر می کنم سینما را نگار از اول برای ساخت مستند اختراع کرده اند. وقتی که ما سینما را دیدیم، همچنان زده شدیم. اصلا سینما را دوست داشتیم، چون خودمان را در آن می دیدیم. بعدها سینماهای بزرگ ساخته شد. ساختمان سینماهای بزرگ، کاخ پادشاهان فقیر و مردم تهیدست بود، اما این روزها حسی می کنم دیگر هیچ فضیلتی در سینمای درام وجود ندارد، به خصوص سینمای هالیوود که به نظرم کاملا عوام‌فریبانه است و انسان را از فضیلت دور می کند. من مدت‌هاست که معتقد زیبایی‌شناسی ناب در سینمای مستند و انیمیشن بروز پیدا کرده و دیگر دوران سینمای داستانی به سر آمده است. سینمای غیر داستانی، یک سینمای انسانی است، چرا که رابطه بین فیلمساز و موضوع را بی واسطه و بدون بدل کاری نشان می دهد و واقعیت‌ها را به تصویر می کشد. حالب این جاست که این موضوع را دوستام هم متوجه شدند و مدام برای من فیلم‌های مستند و انیمیشن می آورند.

شماره کردید که از سینمای درام ناامید شده‌اید. اشاره کردید که ادما، سینمای ایران هم زیند با فقط

همیشه مسئولانه رفتار می کنند.

به کدام یک از حوزه‌های سینمای مستند بیشتر علاقه دارید؟

من سینمای مستند و همه نخله‌هایش را دوست دارم. همه چیز بستگی به خوب بودن محتوای آن دارد، البته علاقه‌ام به مستندهای سیاسی کمتر است، چون کاری با سیاست ندارم. در این سال‌ها هم جوان‌های مستعد خوبی، کار مستند انجام می دهند که دوست دارم، مثل مهرداد اسکویی، محمد شیروانی، جعفر بناهی، محمدحسین جعفریان و رامین حیدری فاروقی که جزو خوب‌ترین‌ها هستند. در سینمای مستند جهان هم بیشتر کارهای زیگما ورتوف را دیده‌ام و دوست دارم. برای همین دسته‌بندی نمی کنم و فقط به کار خوب فکر می کنم.

خیلی از مستندسازها وقتی سراغ مستندهای اجتماعی می روند، محکوم به سیاه‌نمایی و نشان دادن پلشتی‌ها می شوند. به نظر شما دور شدن از فضاهای ناراحت‌کننده می تواند به سینمای مستند و کاری که آن‌ها انجام می دهند، آسیب وارد کند؟

من معتقد نیاید به مستندسازها کاری داشت. باید آن‌ها را رها کرد و اجازه داد تا هر کاری که دوست دارند، انجام دهند. مستندسازها به شدت آدم‌های باهوشی هستند و می دانند که چه چیزهایی را باید نشان دهند. اگر قرار بر این باشد که ما خط‌مشی تعیین کنیم، پس سینمای حقیقتی در کار نخواهد بود. سینمای حقیقت دروغ نمی گوید و مستندساز هم قرار نیست چیزی را که ما دوست داریم، نشان دهد. من معتقد نیستم

یک گروه دیگر آن را ساختند. اگر امضای خودم هم پای کار نباشد، اما اسمی می‌کنم در دیده و طراحی نقشی داشته باشم.

اما در «چشم شب روشن» که تازه‌ترین برنامه شما در مقام مجری است، کمتر آیت‌های مستند می‌بینیم. بله، در «چشم شب روشن» خیلی این فرصت تا به امروز پیش نیامده، البته جزو برنامه‌های مان هست که بتوانیم آیت‌های مستند را بیشتر کنیم. «چشم شب روشن» بیشتر به سمت ادبیات و زیباشناسی رفته و بر همین اساس اگر قرار باشد آیت‌های مستند تلویزیونی داشته باشیم، در همین زمینه خواهد بود. خوشبختانه مدیر شبکه از موسسان شبکه مستند است و تهیه‌کننده هم علاقه زیادی به مستند دارد. برای همین امیدوار هستم در آینده‌های نه چندان دور این مستندها بیشتر شود.

حالا فرض کنید یک روز فرصت ساخت مستند برای شما فراهم شود. با این اوصاف چه موضوعی را برای ساخت مستند انتخاب می‌کنید؟

من مستندهایی که رنگ‌بندی خیالی باشد را دوست دارم. فرانسس فورد کاپولا یک مجله قضا منتشر می کند که روی جلد آن را هر بار یک عکاس بزرگ عکاسی کرده است. یکبار از عباس کیارستمی خواسته بود تا برای جلد این مجله عکاسی کند. کیارستمی عکسی که انداخته بود مرتبط به همین تهران و تپه‌های فیضیه می‌تسند. وقتی این تپه‌ها پلانیفای از کاغذ‌ها هستند و یک شکل گرافیکی حیرت‌انگیزی ایجاد کرده‌اند که مخصوص جهان‌بینی عباس کیارستمی است. شما از دیدن این عکس سیر نمی‌شوید. یا همه، نه، اصلا، ما برای، و برنامه‌های هنری را داستان.

سینمای مستند آن چه پنهان است را نشان می‌دهد. سینمای حقیقت، سینمای دانستن است. امروزه دانستن قحط شده. کسی فکر نمی‌کند و اندیشیدن سخت‌ترین کار دنیا شده. خوب برای همین است که سینمای بافضیلتی چون سینمای حقیقت کار سختی در پیش خواهد داشت. شاید به همین دلیل است که سینمای عباس کیارستمی را دوست دارم. به دلیل نگاه مردم‌پوار

و گم‌نگارانه‌اش به سنما. من همیشه کیارستمی را با بالزاک، نویسنده فرانسوی مقایسه می‌کنم. بالزاک با نوشتن رمان‌های «چرم ساغری» و «زنتیک دره» و دیگر رمان‌هایش کار بزرگی کرد. سواي محلی‌بودن رمان‌های بالزاک، من همیشه به این موضوع فکر کردم که اگر یک روزی بر فرض محال فرانسه نابود شود، یا نشانه‌هایی که در رمان‌های بالزاک وجود دارد می‌توان فرانسه را دوباره از نو بنا کرد. کیارستمی و فیلم‌هایش هم دقیقا همین کار را برای ایران می‌کند. او فرهنگ مفقوده ایران شهری را به جهان معرفی کرده است. برای همین کیارستمی را با بالزاک مماس می‌دانم. کیارستمی با فیلم‌هایش فرهنگ و خلق‌های مردم این سرزمین را باز تولید کرد و بالزاک با داستان‌هایش اشیا را.

اگر قرار باشد روزی درباره یک شخصیت مهم مستند بسازید، چه کسی را انتخاب می‌کنید؟ مستندساز یکی که مستندساز می‌روم، چون برام جذابیت دارد و مستندسازها هیچ‌وقت در ساره خودشان فیلم نساختند. اما زندگی آن‌ها می‌تواند یک مستند جذاب باشد. چرا تا به حال مستندی از زندگی شما ساخته



محمد صالح سالیانیان، مستندساز و روزنامه‌نگار

نیایدیه

مستندسازها

کاری داشت. باید

آن‌ها را رها کرد

و اجازه داد تا هر

کاری که دوست

دارند انجام دهند.

مستندسازها

به شدت

آدم‌های

باهوش هستند

و می‌دانند که چه

چیزهایی را باید

نشان دهند. اگر

قرار بر این باشد

که ما شما را

تصویر کنیم،

پس سلیمان

حقیقتی» در کار

نخواهد بود

دوستام هم متوجه شدند و مدام برای من فیلم‌های مستند و ایمیشن می‌آوردند.

اشاره کردید که از سینمای ایران هم می‌زنید یا فقط این حرف را درباره سینمای ایران هم می‌زنید یا فقط منظورتان سینمای هالیوود است؟

در کل به نظرم سینمای درام افول کرده است. من یکی از کارهایی که در دانشگاه می‌کردم، درام‌نویز کردن متون دیرینه سال ایرانی بود. اما امروزه می‌بینم که الگوها در سینمای درام جابه‌جا شده است. ما آثار خوبی در سینمای مستند داریم. «بن خاله سیاه است» فروق فرخزاد یا «اون شب که بارون اومد» کامران شبردل دستمکی از آثار مای «فلاهرتی» ندارد. اما ما امروز در سینمای درام، سینمایی ساختیم که پدر و مادر آن مشخص نیست البته از آن جایی که من همیشه هر آنچه را متعلق به سرزمینم است، دوست دارم. سعی می‌کنم فرمود سینمای ایران کمتر گله کنم و تق بزیم، به خاطر همین بیشتر نظرم راجع به سینمای غیر ایران است. سینمای سردرگم و مبهمی که حتی تخیل هم در آن بی‌معن است. من همیشه عاشق خیال بودم، اما سینمایی که در سیطره زامی‌هاست چه فضیلتی دارد البته این سلیقه من است. من یک سینمای شریف دوست دارم و به خاطر نسلیت دنبال سینما را گرفتم. برای همین دلم نمی‌خواست هیچ وقت پای زامی‌ها به این سینما باز شود.

از نظر شما حال سینمای مستند این روزها خوب است؟

اتفاق مهمی که در سال‌های اخیر افتاد، تالیسی شبکه مستند است. اتفاقی که می‌تواند شبیه یک خواهر خوب برای سینمای مستند باشد. از طرفی با قدرت گرفتن شبکه‌های اجتماعی و دنیای مجازی، این خواهر و برادری محکم‌تر و حال‌نداری مستند شبیه یک برنده شده است. با سه پال توانا و تیزویز که می‌تواند هر لحظه لوح بگیرد. این اسیرم با بال‌های قوی‌اش می‌تواند سینمای مستند را تولید کند. سینمای مستند، سینمای عاشقانه‌ای است و عاشق‌ها

چه چیزهایی را باید نشان دهند. اگر قرار بر این باشد که ما خدمتی تعیین کنیم، پس سینمای حقیقتی در کار نخواهد بود. سینمای حقیقت دروغ نمی‌گوید و مستندساز هم قرار نیست چیزی را که ما دوست داریم، نشان دهد. من معتقدم حال خوب اگر وجود دارد، همه ما متوجه آن خواهیم شد. اما این معلولیت‌ها و کیوکاستی‌ها هستند که باید نشان داده شوند. در واقع معلولیت‌هایی که این‌ها دارند که روزگار آن‌ها را نشان دهد. من همیشه معتقدم سینمای گذشته سینماگرهای خودش را داشته و موضوعاتی که نیاز داشته را شرح داده است. آینده هم کسانی را خواهد داشت که به موضوعات خودش پیرازند. در حال حاضر، مستندسازهای امروزی مسئول روزگار ما هستند تا بتوانند واقعیت‌ها را نشان بدهند.

شما وقتی در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی روبروی مهمان‌های تان می‌نشیتید، سعی می‌کنید سوال‌ها را طوری پیرسید که از کلیشه‌ها دور باشد و شخصیت طرف مقابل را بررسی می‌کنید. در واقع کار شما از این منظر بی‌شبهات به کار مستندسازها نیست، ضمن این که شما از علاقه‌مندان به سینمای مستند هم هستید. چرا در تمام این سال‌ها سراغ ساخت مستند نرفتید و در این زمینه خودتان را محک نزدید؟

حرفی را که شما می‌زنید قبول دارم. من تمام این سال‌ها با همه علاقه‌ای که داشتم، هرگز سراغ ساخت یک مستند مستقل نرفتم، به این دلیل که نمی‌توانم هسر کاری را که دوست دارم، انجام بدهم. شاید بهتر باشد بگویم که من در مستند، تماشاچی بهتری هستم و خیلی خوب می‌توانم مستندها را ببینم، اما در عوض همیشه به تئاتر معتاد بودم. اگر هر سال هم نتوانستم کاری داشته باشم، حداقل تلاشی کردم یک نمایشنامه بنویسم. البته این را بگویم که مستند در برنامه‌های ترکیبی که برای تلویزیون داشتیم، سراغ آرت‌های مستند تلویزیونی رفتم. در واقع ایده و طرح را دادم و

بود مرتبط به همین تهران و تپه‌های قیطر به می‌نگد روی این تپه‌ها طایفه‌ای از کلاغ‌ها هستند و یک شکل گرافیکی حیرت‌انگیزی ایجاد کرده‌اند که مخصوص جهان‌بینی عباس کیارستمی است. شما از دیدن این عکس سیر نمی‌شوید یا همین تیراز اسامیل من برای ویرانه‌های همشهری دانستان، دانستانی با عنوان «شکرگردان آینه» نوشته روی جلد همشهری دانستان هم اسامیل عکسی از عباس کیارستمی بود. یک در شب‌های که آن طرف آن برتقال‌های محترم مشخص بودند این عکس هم از همان تصویرهای حیرت‌آور بود که می‌شد ساعت‌ها آن را دید. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم چنین تصویرهایی شبیه کاری است که آفراتاز رنق می‌کرد. آفراتاز رنق نشان می‌دهد که همیشه گل‌های رنق می‌کنید و با خاد زلفی گره زده داشت و خدا را با اسم کوچک صدا می‌زد. رضا رنق همیشه می‌گفت: «خداچون یک وقت با خودت نگی آفراتاز چرا رنق‌هایی که می‌کنی از رنق‌هایی که من آفریدم خوشگل‌ترند من طاق‌کفت تنگ‌ندارم، چه برسه به آنت جهنما» حالا فکر می‌کنم بعضی تصویرها و اتفاق‌ها آن قدر با خیال درمیخیز می‌شوند که از واقعیت هم زیباترند. برای همین اگر روزی قرار باشد مستندی بسازم، هیچ محدودیتی نخواهم داشت.

چرا این‌اش را می‌گویید؟

من همیشه فکر می‌کنم هر کوه، انبوهی از مجسمه‌های آفریده نشده است و هر انسان سرشار از مستندهای ساخته‌شده که می‌توان رفت سمت آن‌ها و هم‌عاش را ساخت. من هر روز در درختی را که می‌بینم، فکر می‌کنم اولین درختی است که دیده‌ام. به نظرم مهم این است که هر سوزن‌های را چطور ببینی. هر اتفاقی در این دنیا روایی مختلفی دارد. مهم این است که آن را از کدام زاویه ببینی و گرنه موضوع اهمیت چندانی ندارد. چون رابطه آدمی با هر چیزی می‌تواند یک رابطه منحصر به فرد باشد.

دلیل دل‌بستگی تان به سینمای عباس کیارستمی چیست؟

مستند بسازید، چه کسی را انتخاب می‌کنید؟

سراغ زندگی یک مستندساز می‌رود، چون برایم جذابیت دارد و مستندسازها هیچ وقت درباره خودش فیلم ساخته‌اند. ما زندگی آن‌ها می‌تواند یک مستند جذاب باشد.

چرا تا به حال مستندی از زندگی شما ساخته نشده؟

چندین بار این اتفاق پیش آمده. اما من معمولاً سعی می‌کنم مستندی درباره‌ام ساخته نشود. همیشه از این موضوع فراری بودم. این روزها هم چند نفری در حال مذاکره هستند تا مستندی درباره زندگی‌ام بسازند. اما نمی‌دانم که به کجا می‌کشد.

اگر مذاکرات به نتیجه برسد برای مستندساز محدودیتی هم قائل می‌شوید یا اجازه می‌دهید خیلی راحت به همه زوایای زندگی شما ورود کند؟

حتماً محدودیت‌هایی خواهم گذاشت. اصلاً کدام آسانی است که بگویم من سانسور را از زندگی‌ام حذف کردم. انسان با همه بیخودی‌هایش مدام در حال سانسور کردن خودش است. من همیشه دلم برای سانسورچی‌ها سوخته که متهم هستند. اما واقعیت این است که همه ما یک سانسورچی درون داریم که مدام حواس‌ت هت هر حرفی را از نیمه فرقی هم ندارد که با چه کسی داریم حرف می‌زنیم. ما یک وقت‌هایی حتی در مواجهه با همسرمان هم خودمان را سانسور می‌کنیم. پس دروغ است اگر بگویم که اجازه می‌دهم بی‌هیچ محدودیتی مستند من ساخته شود و تمام احوالات زندگی‌ام بازگو شود.

دوست دارید چه بخشی از زندگی شما در مستندی که می‌سازند پررنگ‌تر باشد؟

زندگی من مهم نیست، مهم کارهایی است که انجام دادم. دوست دارم بخشی از زندگی‌ام پررنگ شود که تجربه‌ای به دیگران اضافه کند و آن‌ها با آن شریک باشند. من یک کارهایی در ادبیات و هنرهای تجسمی کرده‌ام که فکر می‌کنم می‌تواند به درد دیگران بخورد.

پس سینما
حقیقتی در کار
نظاها هدیه

اگر قرار باشد
روزی درباره‌یک
شخصیت مهم
مستند بسازم
سراغ زندگی
یک مستندساز
می‌زنم.
چون برایم
جذابیت دارد.
مستندسازها
هیچ وقت درباره
خودشان فیلم
نساخته‌اند. اما
زندگی آن‌ها
می‌تواند یک
مستند جذاب
باشد.

زلف گره خورده مردم با حقیقت

سینمای مستند این روزها جای‌اش را در بین مردم خیلی خوب باز کرده است. این حرف‌ها درست نیست که مردم به سینمای مستند علاقه‌ای ندارند. یک مصرع هست که می‌گوید: «دکان بی‌مناغ چرا او کند کسی؟» من فکر می‌کنم اگر امروز شبکه مستند داریم، اگر جشنواره فیلم حقیقت داریم و اگر شبکه‌های اجتماعی به این موضوعات می‌پردازند، پس حتماً علاقه‌ای وجود دارد و مردم با حقیقت زلفی گره زده‌اند و آن را نجیب می‌دانند. جوانان و نوجوانان ما امروز یک گنج یادآورده هستند که ما قدر نشان را آن‌ها خودشان خوب می‌دانند که نمایش و موسیقی خوب چه چیزهایی است. رمان خوب را بلدند و مستند خوب را تماشا می‌کنند. شما امروز ببینید که برای فیلم‌های خوب چه سروصدایی می‌شکنند. جوان‌ها امروز بیشتر وقت کردند و با همین پیشرفت سینمای مستند را هم خوب می‌شناسند و آن را دنبال می‌کنند. پس نیاز است که در این حوزه کارهای بهتری انجام شود و مردم روز به روز با آن آشنایی بیشتری پیدا کنند.

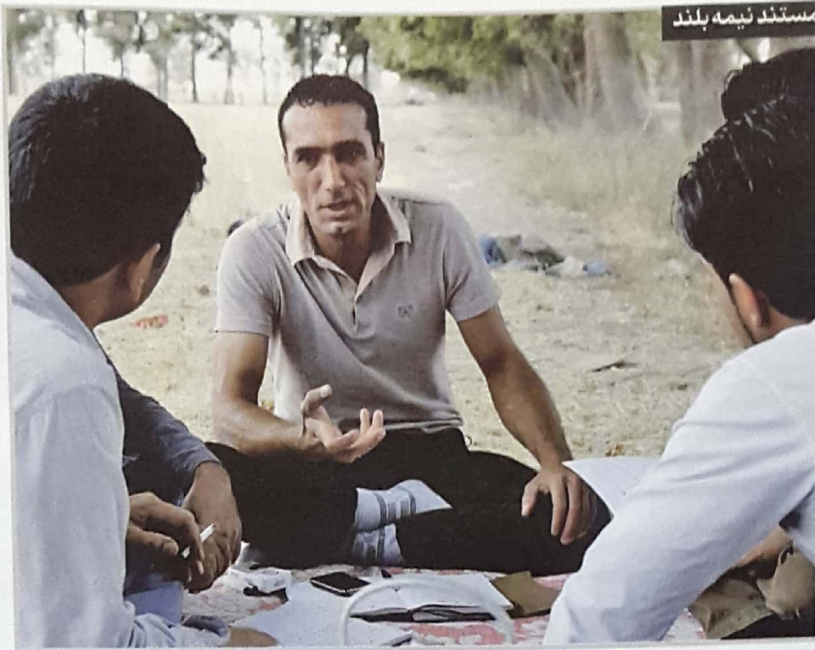
کیارستمی و نشانی راه بادوربین

بخشی از یادداشت محمد صالح علا درباره عباس کیارستمی: کیارستمی نشانی راه را با دوربین می‌نویسد، ختیاپرداز نمی‌کند، اما واقعیتی که نشان می‌دهد از رویا بزرگتر است. با هوشمندی نه به گذشته می‌پردازد، نه به آینده. روی روزگار خود است، عارفی را هنماست، راه نشان می‌دهد، که سرگردانی در گم کردن راه است. روسو می‌گوید: آدمی چون نشانی راه را نمی‌داند، سرگردان شده. کیارستمی نه به انسان تاریخی کاری دارد، نه به انسان آینده و روزگار ندیده، جهان را بزرگ و کوچک نمی‌کند، در آثار او پر دویاخی نیست، گوسفند و گری می‌نویسد، برای همین غیر از خودش با همه تفاوت دارد. او را از آثارش می‌شناسیم، این توضیحات هم برای آن است که ما با آثار هنرمند در غیاب خودش معاشرت داریم، همچنانکه با شعر در غیاب شاعر معاشرت می‌کنیم، شعرها کارشان خلاصه کردن زیبایی‌های هستی است، کیارستمی هم در خلاصه کردن زیبایی‌های به گالری فیلم‌های گوناگون نگاه کنیم، به عکس‌ها و فیلم‌های بلند او، همه جلادها از زیبایی است.



A Very Ordinary Man

In "Agha Vali" Documentary, Mahnaz Mohammadi centralized an addicted man and she has tried to introduce him without judgement. All of the documentaries of Mahnaz Mohammadi have social background; "Agha Vali" is like her previous works and it has social theme. Before this film, she won many national prizes with "Women without Shadow" which was about women who live in an asylum. Now she has participated in Cinema-Verite with "Agha Vali". "Finally, I found that no document can be the truth itself, so I felt that truth is out of my reach and I have to have less distance with it, therefore, making documentary is fascinating for me." Mohammadi focused on documentary-making to reach the truth.



یک آدم خیلے معمولے

مهناز محمدی در مستند «آقاولی» برشی از زندگی یک مرد معتاد را محور قرار داده و سعی کرده است بدون قضاوت او را معرفی کند

زهره عباسی

abbasi2222@gmail.com

درباره فیلم

- نام فیلم: آقاولی
- کارگردان: مهناز محمدی
- تهیه کننده: مهناز محمدی و محسن صمدبیک
- زمان: ۵۸ دقیقه
- درباره فیلمساز: آقاولی از ۱۳ سالگی به مواد مخدر آلوده شده است. سال‌ها اعتیاد او را به دزدی، زورگیری و در نهایت کارتن خوابی کشاند، اما بالاخره توانست بعد از ۱۷ سال بر اعتیاد غلبه کند.

مثال من در فیلم قبلی ام یعنی «زنان بدون سایه» که درباره آسایشگاه روانی زنان است، مدت زمان زیادی هر هفته دو، سه روز به آسایشگاه می‌رفتم، آنجا با هم صحبت و شوخی می‌کردیم و می‌خندیدیم که همه این‌ها باعث می‌شد وقتی قرار بود به‌صورت جدی فیلم را بسازم، دیگر دوربین را نمی‌دیدند و برای‌شان غریبه نبود. دلش هم این بود که دوربین را مدت‌های زیادی در دست و کنار من دیده بودند و دیگر توجه‌شان را جلب نمی‌کرد. به نظر من مهم‌ترین نکته برای رسیدن به این شرایط صرف زمان است و هر چه زمان طولانی‌تر باشد، حتما موفقیت‌مان بیشتر است.» او به مستندسازی که بدون توجه به این نکته سراغ ساخت مستند می‌روند، نقدی وارد نمی‌کند: «هر کسی بنا بر دانش و از نگاه خودش فیلم می‌سازد و به نظر من بهتر است قضاوت درباره چگونگی این کار نکنیم.»

هدیه‌ای به افراد جامعه

محمدی در یادداشتی برای این فیلم نیز نوشته است: «آقاولی برای من نمونه‌ای از کسانی است که با توجه به برخی از فشارها برای بستن مراکز ترک اعتیاد (ان-آی) در خانه خود کلاس برگزار می‌کنند. او که توسط همان افراد عادی جامعه توانست بر اعتیاد ۱۷ ساله خود پایان بدهد اکنون بدون هیچ حمایتی به کمک دیگران می‌شتابد. این فیلم برای من هدیه‌ای است به افراد جامعه‌ام تا آنها را دعوت به این گونه مشارکت کنم که در نتیجه همه افراد جامعه از آن نفع خواهند برد. آقاولی ۲۸ ساله از ۱۳ سالگی به مواد مخدر آلوده شد. سالها اعتیاد او را به دزدی، خفتگی و نهایتاً به کارتن خوابی کشاند اما بالاخره توانست بعد از ۱۷ سال بر اعتیاد غلبه کند. ماروهای بعد از ترک زندگی‌اش و چالش‌های آن در کنارش بودیم.»

ساخته‌های مهناز محمدی همگی پس‌زمینه اجتماعی دارند، «آقاولی» هم همین‌طور است و با تم اجتماعی ساخته شده. محمدی پیش از این با مستند «زنان بدون سایه» درباره زنانی که در یک آسایشگاه روانی زندگی می‌کنند، پرند جابزه‌های زیادی از جشنواره‌های داخلی شده و حالا با مستند «آقاولی» به جشنواره فیلم حقیقت آمده است.

سوژه‌های آشنا

این مستندساز هدفش از مستندسازی را رسیدن به حقیقت می‌داند: «از جایی به بعد به این نتیجه رسیدم که هیچ سندی نمی‌تواند خود حقیقت باشد، در نتیجه احساس کردم حقیقت دور از دسترس است و باید فاصله‌ام را با آن کم کنم، به همین دلیل هم مستندساختن برای من جذاب است.» محمدی روحیه‌ای دارد که ترجیح می‌دهد درباره سوژه‌هایی مستند بسازد که واقعا آنها را می‌شناسد، سوژه‌هایی نزدیک و آشنا که بدون تداخل، مستند می‌شوند. آقاولی هم از همین دست سوژه‌ها بوده؛ مهناز محمدی او را از ۱۵ سال پیش می‌شناخته است.

آشنایی با ظاهر خانم

محمدی درباره نحوه آشنایی‌اش با آقاولی توضیح می‌دهد: «آقاولی را خیلی خوب می‌شناختم، حدود ۱۵ سال پیش برای تهیه یک گزارش به حاشیه جنوبی شهر تهران رفتم. سراغ هر کس می‌رفتم حاضر نمی‌شد با من مصاحبه کند، خیلی اتفاقی به زنی به نام طاهره برخورد و گفتم با من مصاحبه می‌کنی؟ گفت: چرا نمی‌کنم؟ همه معمولاً آن‌جا مشکل داشتند و باید از شوهرشان برای صحبت کردن اجازه می‌گرفتند، اما وقتی از طاهره خانم خواستم با شوهرش صحبت و با او هماهنگ کند، گفت: شوهرم؟ غلط می‌کند حرف بزنند! این شکل برخورد برای من خیلی جالب بود این که طاهره چقدر مستقل و بدون هیچ نگرانی‌ای صحبت می‌کند. همین شکل برخورد هم موجب شد باب آشنایی من و او باز شود تا این که دوستی‌مان تا امروز ادامه پیدا کند.»

چرا آقاولی؟

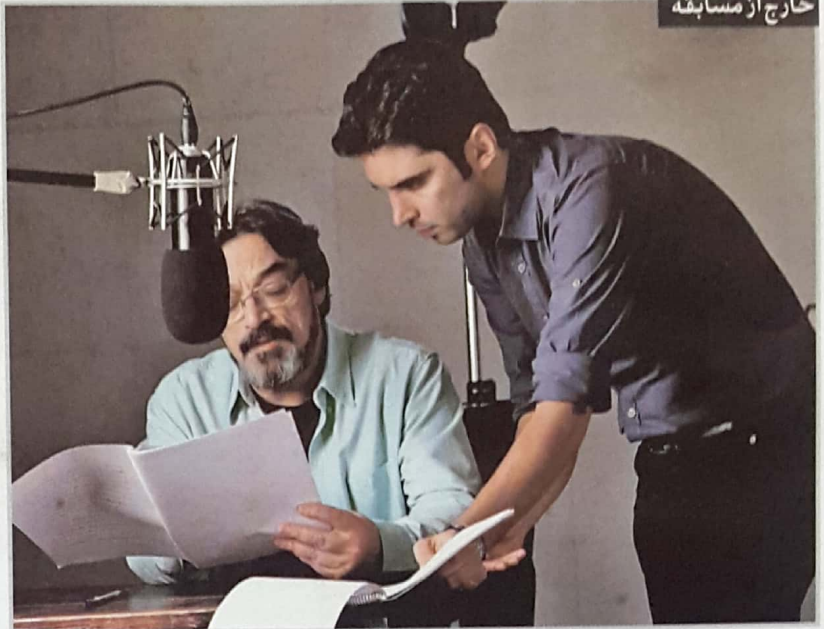
آقاولی پسر طاهره خانم است. پسری که ۱۵ سال پیش کارتن خواب بود و حالا امروز سوژه مستند مهناز محمدی شده است. او آقاولی را این‌طور برای من معرفی می‌کند: «آقاولی یک آدم خیلی معمولی مثل همه ما است که البته می‌توانست فرد خاصی باشد، اما به دلایل مختلف شرایطش را نداشت. او حتی در کودکی برای حضور در تیم ملی فوتبال

از فاصله‌ای نزدیک

گفتم که مهناز محمدی علاقه دارد درباره سوژه‌هایی فیلم بسازد که آشنا هستند و می‌توان به آنها نزدیک شد، آن قدر که مستند واقعا مستند شود. او درباره مستند «آقاولی» هم به همین حس رسیده است و می‌گوید: «از آن جایی که من مدت‌هاست به خود حقیقت مشکوک هستم به همین خاطر تلاش کردم با نزدیک شدن به آدم‌هایی مانند «آقاولی» به حقیقت واقعی دست پیدا کنم. آقاولی از نظر من یک حقیقت محض است که با توجه به تجربه‌ای که در حوزه سینمای اجتماعی دارم دوست دارم همچنان در کشف حقیقت تلاش کنم. در این فیلم برای رسیدن به حقیقت آن قدر فاصله‌ام را کم کرده‌ام که کاملا مشهود است. باید فیلم را ببینید تا متوجه این نزدیکی شوید.» گاهی مستندسازان نمی‌توانند دوربین را با افراد مانوس کنند و ممکن است شخصیت‌های مستند کاملا دوربین را یک غریبه بدانند و به همین دلیل هم مصنوعی جلوی آن ظاهر شوند، اما محمدی معتقد است دوربین یک ابزار است: «فاصله اصلی بین مستندساز، سوژه است که باید کم شود. این فاصله باید به قدری کم شود که دوربین یا هیچ ابزار دیگری به چشم نیاید. به اعتقاد من اگر به‌عنوان یک مستندساز بتوان با هر شیوه‌ای این فاصله را شکافت، آن وقت در نمایش سوژه موفق خواهیم بود.»

باید زمان صرف کرد

این مستندساز راه کم‌شدن فاصله مستندساز با سوژه را صرف زمان می‌داند و می‌گوید: «اگر زمان طولانی‌تری وقت گذاشته شود، حتما این فاصله از بین می‌رود. برای



همراه با بزرگان موسیقی

گیبی با مصطفی شیری درباره «ردیف»: این مستند به بررسی تاریخ موسیقی ایران و ردیف موسیقی دستگامی می‌پردازد

عرفان جلالی

jalali.se@gmail.com

مصطفی شیری در مستند «ردیف»، تاریخ موسیقی کلاسیک (سنتی) ایرانی و ردیف موسیقی دستگامی را در قالب گفت‌وگو با بزرگان این حوزه همچون محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، مجید کیانی، داریوش طلایی، هوشنگ ظریف، دکتر محمد سسریر و همچنین تصاویر جذاب و به یادماندنی به تصویر می‌کشد. شیری در این گفت‌وگو ابعاد مختلف مستند جدیدش را تشریح می‌کند.

ثبت ردیف موسیقی ایران در یونسکو

از نام و عنوان این مستند مشخص است که با تری بر محور موسیقی سنتی رو به رو هستیم. مصطفی شیری خود موضوع مستند جدیدش را این گونه توضیح می‌دهد: «ردیف» درباره رپرتوار موسیقی کلاسیک ایرانی یا همان ردیف موسیقی دستگامی است؛ مجموعه‌ای که امروزه آن را با هفت دستگاه و پنج آواز از جمله شور، ماهور، هماون و... می‌شناسیم. از او درباره دلایل و انگیزه‌های ساخت این مستند می‌پرسم و از علاقه زیادش به موسیقی سنتی می‌گویند: «همیشه ساخت مستندهایی درباره موسیقی و موسیقیدان‌هایی که آثارشان در برهه‌های مختلف الهام بخش و اثر گذار بوده، از موضوعات مورد علاقه‌ام در فیلمسازی بوده است. سال‌ها پیش با مستند «بین‌بست» درباره استاد بابک بیات، تجربه خوبی در این زمینه داشتم که بعدها با چند پروژه کوتاه دیگر که در ارتباط با موسیقی بود، ادامه پیدا کرد. سال ۱۳۸۸ ردیف موسیقی ایران در سازمان یونسکو به عنوان میراث معنوی جهانی ثبت شد و این اتفاق هسته اولیه شکل‌گیری ساخت این فیلم بود.» شیری با اشاره به فرآیند پژوهش این مستند تصریح می‌کند: «از همان سال ثبت ردیف موسیقی ایران در سازمان یونسکو که ایده ساخت فیلم ردیف برای من جدی شد، تقریباً تحقیق و پژوهش کار را آغاز کردم، منتها در آن سال به دلیل برخی اتفاقات، روند طبیعی پژوهش به تعویق افتاد. با وجود همه این مسائلی به صورت جسته‌وگریخته تحقیق کار ادامه پیدا کرد و تا زمان آغاز فیلمبرداری دوسالی به طول انجامید.

فقدان منابع مکتوب

اما این جنس مستندها نیازمند پشتوانه پژوهشی مستند و قابل اتکایی است. از این مستندساز درباره منابع و مآخذ پژوهشی این پروژه می‌پرسم و با این پاسخ از جانب او رو به رو می‌شوم: «آن طور که باید منابع مکتوب و کتابخانه‌ای با موضوع ردیف موسیقی دستگامی اعم از کتب و مقالات، به شکل وسیع و جدی در دسترس نیست. تلاش‌های فردی در این زمینه و به صورت تخصصی انجام شده، مانند ترجمه‌ای از کتاب برونت نزل با مقالاتی که از مهدی برکشلی، اسماعیل مهرتاش، هرمز فرحت و... به جان مانده یا تلاش‌هایی که از سوی دکتر هومان اسعدی به ثمر رسیده است. از این بابت بخش قابل توجهی از تحقیق منکی به منابع میدانی و گفت‌ووشود با معهود

A Glance to Iranian Traditional Music Structure; Radif

In this documentary, long history of classical music in Iran, from ancient time and after that also complexities of Iranian traditional music has been portrayed. In "Radif" documentary many of Iranian great masters of traditional music are present and talked about Radif which is the traditional music repertoire of the classical music of Iran that forms the essence of Persian musical culture. He had some interview about Radif with Iranian musicians like Mohammad Reza Shajarian, Shahram Nazeri, Majid Kiani, Dariush Talayi, Houshang Zarif, Dr. Mohammad Sarir, also used many other attracting images. "I was always interested in Iranian traditional music also making documentary about it also Iranian musicians whose works have been inspiring during all ages.

درباره فیلم

- نام فیلم: ردیف
- کارگردان و تهیه‌کننده: مصطفی شیری
- پژوهشگر: مصطفی شیری
- زمان: ۵۰ دقیقه
- درباره فیلم: در این مستند، تاریخ طولانی موسیقی کلاسیک در ایران، از زمان پیش از باستان تا دوره ایران باستان و پس از آن، همچنین پیچیدگی‌های ردیف موسیقی دستگامی به تصویر کشیده شده است.

گذشت صدها سال به این جا رسیده، یکی از اهداف فیلم بوده است. شیری هر فردی را که دغدغه فرهنگی داشته باشد، مخاطب این فیلم عنوان و اظهار می‌کند: «همی شود گفت به صورت فراگیر مخاطب عام تماشاگر این فیلم است، ولی تلاش شده با وجود موضوع نسبتاً سخت و شناوری که ردیف دارد، مخاطب عام هم در صورت تماشای فیلم تا اندازه‌ای به آن نزدیک شود. در عین حال این نکته را هم در نظر گرفتیم که بعضی مباحث طرح شده در فیلم برای مخاطب اهل فن و تخصصی موسیقی، نکات و جذابیت‌های خود را داشته باشد.»

بزرگان موسیقی سنتی

بدون شک حضور بزرگان موسیقی سنتی در این مستند یکی از جذابیت‌های آن برای مخاطب است، وی در این باره می‌گوید: «به هر صورت ردیف موسیقی ایران، پیشینه فرهنگی ایران است و می‌تواند برای هر ایرانی جنبه‌ای سمبلیک و موردعلاقه داشته باشد. حضور اساتید موسیقی ایران در فیلم ردیف مانند استاد حسین علیزاده، استاد شجریان و... که در طیف‌های مختلف اجتماعی و عموم مردم چهره‌های شناخته‌شده محسوب می‌شوند و کارهای خود را دارند، می‌تواند در شکل‌گیری ارتباط مخاطب عام با این مستند اثر گذار باشد.» او درباره حضور و موفقیت احتمالی فیلمش در جشنواره می‌گوید: «به‌طور کلی موفقیت در جشنواره یک اتفاق خوب است، اما همه چیز نیست. یک مستند خوب موفقیتش را در طول زمان به دست می‌آورد. این که با گذشت مثلاً ۱۰ یا ۲۰ سال بدون تاریخ مصرف همچنان فیلمی به‌روز و اثر گذار باشد و با گذشت زمان اهمیتش را از دست ندهد.» شیری نقی به گروه سینمایی هنر و تجربه هم می‌زند: «این که سینمای هنر و تجربه شرایطی فراهم کرده تا فیلم‌های مستند را اکران و تعدادی سالان را در اندازه محدود از سطره سینمای بدنه خارج کند و در اختیار فیلم‌های مستند و اساساً سینمای مستقل بگذارد، جای خوشحالی است.»

اساتید ردیفدان که نسبت به تاریخ موسیقی ایران مطالعه و شناخت داشتند، شکل گرفت. شیری همچنین درباره فرم و شیوه روایت این مستند چنین می‌گوید: «شیوه روایی فیلم مبتنی بر دو شکل گفت‌وگو و گفتار متن است. هر کدام از این‌ها سبیری را در جهت پیشبرد موضوع فیلم دارند که به شکل موازی روایت می‌کنند. در گفت‌وگوها عمده توجه به جنبه تخصصی و موسیقایی ردیف بوده و در گفتار متن توجه به سمت تاریخ طولانی موسیقی در ایران از دوران باستان تا دوره معاصر متمرکز شده است.»

پروژه‌های پنج‌ساله

کارگردان «ردیف» از بی‌توجهی به مستندهای مرجع تاریخی و فرهنگی گله‌مند است: «گذشته از مشکلات همیشگی مثل نبود حمایت جدی از مستندهای مرجع تاریخی و فرهنگی مانند اختصاص ندادن بودجه مناسب به این گونه مستندها، فرآیند طولانی تولید این گونه آثار (که در مورد مستند ردیف با طی مراحل پس از تولید بیش از پنج سال به طول انجامید) تا ساز ناکوک سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف در حمایت معنوی، از مشکلات دیگر درباره پروژه «ردیف» می‌توان به کمبود منابع و آرشینو مدون، چه در حوزه آثار مکتوب و چه در حوزه منابع آرشیوی تصویری اشاره کرد. در کنار آن نیز دعوت و همراه کردن مهم‌ترین اساتید موسیقی دستگامی ایران را نیز می‌توان از سختی‌های کار برشمرد که به جهت مشغله، سفرهای بلندمدت، کسالت و غیره مدام به تعویق می‌افتاد و خوشبختانه با تلاش مستمر میسر شد.»

بازتاب پشتوانه فرهنگی ایران

از او می‌پرسم هدفش از ساخت این مستند چیست، این گونه پاسخ می‌دهد: «اساساً ساخت فیلم با موضوع موسیقی تا حدودی کار سختی است. آن هم انواعی از موسیقی که وجوه مفهومی و فرهنگی چندلایه در خود دارند. در ساخت چنین اثری، فیلمساز چقدر مایه‌زای تصویری در مواجهه با این موضوع در اختیار دارد؟ به تصویر کشیدن فیلمی درباره ردیف موسیقی دستگامی، از آن جهت که موضوعی است که جنبه مفهومی و نسبتاً پیچیده‌ای دارد، گذشته از آن که میراثی ملی و جهانی شناخته می‌شود، مهم‌ترین ویژگی این فیلم است. به طور قطع بازتاب چنین پشتوانه فرهنگی بزرگی که با

نام فیلم: زمیل بلوچستان

کارگردان: مازیار مشتاق گوهری

مدت زمان: ۹۰ دقیقه

در «در بسار» فیلم: «کل محمد بلوچی» در سفرهایی که برای پیدا کردن اعضای گروهش دارد، به دیدار استادان مختلف، به ویژه استاد خودش که در بسار بیماری است، می‌رود. او با پشت‌سر گذاشتن چالش‌های فراوان موفق می‌شود در یک جشنواره موسیقی به همراه گروه جدیدش شرکت کند.



در جست و جوی فرهنگ

مازیار مشتاق گوهری می‌گوید «زمیل بلوچستان» تلاشی است برای آشنایی با موسیقی بلوچ

شروع ماجرا از سال ۸۴ بود که به همراه یکی از دوستان سفری تحقیقاتی درباره موسیقی بلوچ به این منطقه داشتیم. در این سفر بحث موسیقی بلوچ برای من جذاب شد و پس از آن سال‌ها با این اساتید در ارتباط بودیم تا این که موسیقی بلوچ که یکی از دوتالی‌نوازان برجسته بود، هنگام مسافرتی فوت کرد. با فوت او گروه گل محمد بلوچ از هم پاشید. یکبار که او را دیدم، از تشکیل گروهی تازه حرف زد و من فکر کردم که چه خوب می‌شود اگر در یافتن اعضای گروه با او همراه شوم. در این همراهی اتفاقاتی رخ می‌دهد و ما با روند موسیقی بلوچ آشنایی می‌شویم. البته به ناچار برخی از انواع موسیقی این منطقه مانند موسیقی عرقانی را به دلیل طولانی شدن مدت زمان فیلم حذف کردیم. اما تلاش ما این بود که در این مستند با استفاده از موسیقی بلوچ این نوع موسیقی را به مخاطبان معرفی کنیم، چرا که با فوت اساتید موسیقی نواحی که جایگزینی هم برای آن‌ها وجود ندارد، این نوع از موسیقی در حال نابودی است.

فرزندان این اشخاص علاقه‌ای به ادامه راه والدین خود ندارند و هرچند موسیقی بلوچ در تمام ارکان قوم بلوچ نهادینه شده، اما روزبه‌روز کم‌کاربردتر می‌شود. مذهبی شدن افراطی مردم بلوچ باعث دوری آن‌ها از موسیقی و خانه‌نشین شدن خوانندگان زن شده است. در گذشته هنرمندان این حوزه از عزت و احترام برخوردار بودند، اما اکنون از میزان اعتبار آن‌ها کاسته شده و اکثرشان با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به همین دلیل ثبت زندگی و هنر این افراد در قالب مستند اهمیت دارد و می‌تواند باعث ماندگار شدن این هنر از زمان شود...

در آخر نکته‌ای که خوب است به آن اشاره کنم این که هرچند در بسیاری از جشنواره‌ها هیأت انتخاب و داوری به فیلم‌هایی توجه می‌کنند که در لحظه، تحت تأثیرشان قرار می‌دهد و توجهی به کارهای پژوهشی که طی چندین سال ساخته می‌شوند، ندارند اما ماندگاری مستند اهمیت دارد و فیلم خوب در نهایت مسیر خود را پیدا می‌کند.

درباره فیلم

نام فیلم: آوانتاژ

کارگردان: محمد کارت

تهیه کننده: محمد کارت، آبان عسکری

زمان: ۷۰ دقیقه

درباره فیلم: «آوانتاژ» بیش از هر چیز دغدغه نمایش معضلات اجتماعی و روشن کردن جرقه امید در قربانیان مواد مخدر را دارد. این مستند اجتماعی روایتگر زندگی کنونی تعدادی کارتن خواب و بی‌خانمان است.



درباره کارگردان

نام کارگردان: محمد کارت

مهم‌ترین آثار: «جایی که آدمها درخت می‌شوند»، «خون مردگی»، «معلق»، «بختک»

مهم‌ترین جوایز: دیپلم افتخار بهترین کارگردانی از سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر، تندیس بهترین فیلم اجتماعی از هفتمین جشنواره سینما حقیقت

خرد و تجربه

فرصت دوباره برای زندگی

روایت محمد کارت از مستند «آوانتاژ»: روایت کارتن خواب‌ها و بی‌خانمان‌هایی که می‌خواهند قهرمان زندگی خود باشند

عرفان جلالی

jalali.se@gmail.com

«آوانتاژ» یعنی فرصت دوباره؛ در اصطلاح فوتبالی فرصتی است که داور به بازیکن‌هایی می‌دهد تا به گل برسند. محمد کارت این اسم را عاریت گرفته و روی مستندش گذاشته است. فیلم جدید او بیش از هر چیز دغدغه نمایش معضلات اجتماعی و روشن کردن جرقه امید در قربانیان مواد مخدر را دارد. «آوانتاژ» روایتگر زندگی تعدادی کارتن خواب است؛ مخاطب در این فیلم، با کارتن خواب‌های بهبود یافته‌ای روبه‌رو است که دوران بازپروری را سپری می‌کنند. با او درباره مراحل ساخت فیلم تازه‌اش گفت‌وگو کرده‌ایم.

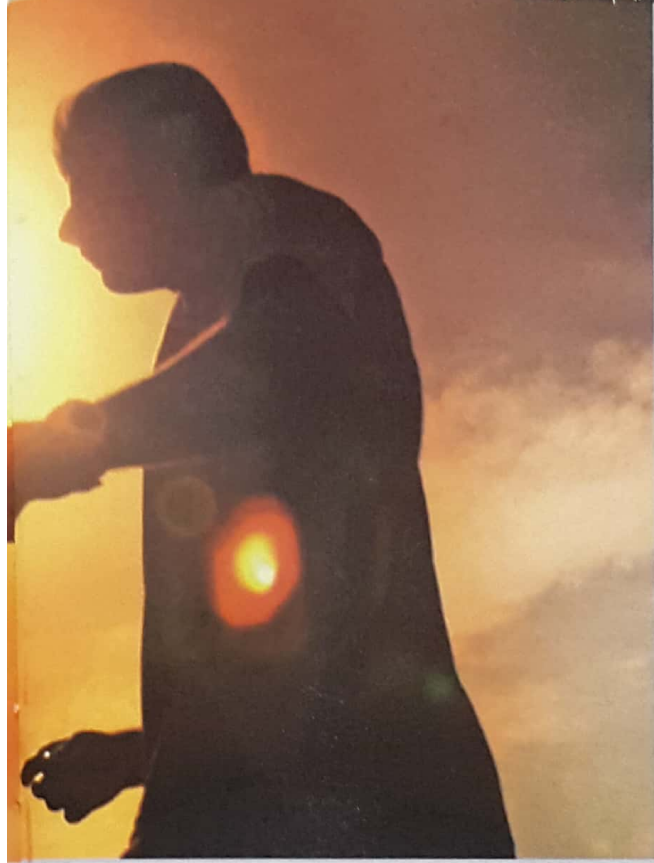
ایده مستند «آوانتاژ» از کجا آمد؟ به نظر می‌رسد ناهنجاری‌های اجتماعی جزء دغدغه‌های اصلی شماست؟

مشکلات و معضلات اجتماعی همیشه برایم مورد توجه بوده و دیدن این‌گونه معضلات در جامعه تا مدت‌ها ذهنم را درگیر خود می‌کند و معمولاً باعث می‌شود مستندی براساس آن‌ها بسازم؛ «آوانتاژ» هم از این قاعده مستثنی نیست. سال ۹۳ پس از ساخت مستند «بختک» در جریان معاشرت با تعدادی از کارتن خواب‌های تهران با موسسه‌ای مردمی به نام «طلوع بی‌نشان‌ها» که هدف‌شان حمایت و خدمت‌رسانی به کارتن خواب‌هاست، آشنا شدم و اوایل سال ۹۴ ایده ساخت مستندی را در این خصوص با آن‌ها مطرح کردم. خوشبختانه این طرح با موافقت مسئولان این موسسه همراه شد و آن‌ها اجازه دادند وارد مرکز درمانی این موسسه به نام «سرای امید» شوم، پس از ورود به این مرکز و مشاهده و معاشرت صمیمانه افراد حاضر در آن جایی دو ماه، چند کارکن را که جذابیت بیشتری برایم داشتند، انتخاب کردم و پس از آن با اضافه شدن سایر اعضای گروه و عوامل فیلم و بعد از گذشت حدود ۱۰ روز، فیلمبرداری را در تیر ۹۴ آغاز کردیم.

شیوه کار و همکاری‌تان با این افراد و این موسسه چگونه بود؟

سعی کردیم براساس مشاهدات عینی و برقراری ارتباط صمیمانه با کارکنان همراه شویم و به نوعی با آن‌ها زندگی کنیم. از همان ابتدای صحت و توافقی که با فیلمبردار و سایر عوامل گروه داشتیم قرار شد خود را به فیلمبرداری منظم و هر روزه ملزم

فیلم‌های بلند



نکنیم و به همین خاطر بعضی از روزها صحنه‌های بیشتری را فیلمبرداری می‌کردیم و برخی روزها کمتر یا اصلاً ضبط نمی‌کردیم. نکته‌ای که در ساخت این مستند برایم تجربه جدیدی به حساب می‌آمد این بود که خود را ملزم کردم آن قدر فیلم بگیرم که مجبور شوم روی میز تدوین فیلم را درآورده و آن را جمع کنیم. نکته‌ای که برایم جذاب و خارج از عرف مستندسازی در گونه اجتماعی بود، تولید راش‌های بسیار کم این فیلم است که سعی کردیم کیفیت راوی و محتوایی داشته باشند و خارج از آن ضبط نکنیم.

تاکون آثار داستانی و مستند بسیاری در خصوص معضلات کارتن خواب‌ها و بی‌خانمان‌ها ساخته شده، تمایز «آوانتاژ» با آثار مشابه چیست؟

بله، درست است، این سوز و بارها و بارها به طرق مختلف روایت شده و به هیچ عنوان جدید و بکر نیست، چالش اصلی‌ام در این مستند هم در واقع بکر نبودن موضوع کارتن خوابی بود. فیلم اولم «خون مردگی» به دلیل جذابیت و کاربزمای موضوع، مورد توجه مخاطبان قرار گرفت، اما چون این‌جا با سوز جدید و بکری روبه‌رو نبودیم، سعی کردم با انتخاب زاویه نگاه متفاوت در محتوا بر جذابیت فیلم اضافه کنم. از سبوی دیگر کارتن خواب‌ها در زندگی به آخر خط رسیده‌اند اما برای آن‌که فیلم کلیشه‌ای نشود، گذشته آن‌ها را فقط در حد یک یادآوری به تصویر کشیدیم و سعی کردیم بیشتر بر مسیر بهبودی و حال آن‌ها تمرکز کنیم. بنابراین روح امید به زندگی، تلاش برای بهتر زندگی کردن و داشتن زاویه نگاهی تازه، از جمله ویژگی‌هایی است که این فیلم را از سایر آثار مشابهی که در این خصوص و با این موضوع ساخته



Another Chance For Living

Mohammad Kart said about his last documentary "Avantage"; The documentary is the narrative of the homeless and displaced people who want to be the heroes of their lives. "Avantage" means another chance; this is a word in football that a referee gives to players to reach the goal. Mohammad Kart the director of this documentary put this football word on its documentary. His new film emphasizes the social problems and lights the light of hope among drug victims. "Avantage" is the narrative of number of homeless men; the audience faces to some improved homeless who are passing their rehabilitation. "I'm always concerned about social problems and I really engage with those social problems I see, then after, generally I make a documentary based on them. "Avantage" is one of these experiences." Mohammad Kart.



■ نام فیلم: نبرد پالمیرا
■ کارگردان: ساسان فلاح فر
■ درباره فیلم: در این مستند برای نخستین بار تصویری از رزم و دلآوری فاطمیون با افغان‌های مدافع حرم دیده می‌شود و سازندگان فیلم این مستند را هنگام انجام عملیات، تصویربرداری کرده‌اند و از آغاز عملیات تا لحظه‌های نبرد و آزادسازی شهر همراه رزمندگان بوده‌اند.



نبرد تاریخ ساز

گفته‌های ساسان فلاح فر درباره «نبرد پالمیرا»

پالمیرا نام دیگر شهر تدمور از استراتژیک‌ترین شهرهای کشور سوریه است که به دلیل همین موقعیت هم جزو نخستین شهرهایی بود که داعش پس از حمله به سوریه در این کشور به دست گرفت. اما چرا پالمیرا استراتژیک است؟ برای این اهمیت می‌توان به وجود چاه‌های نفت، آثار باستانی و خطوط عبوری به مرکز کشور یعنی دمشق اشاره کرد که منجر شده داعش این شهر را به همراه چند شهر استراتژیک دیگر تصرف کند و از آن‌جا به قصد تصرف دمشق خیز بردارد. نکته دیگر این ماجرا، حضور فاطمیون در عملیات آزادسازی پالمیرا از دست داعش است؛ اصولاً در سوریه نمی‌توان شهری را پیدا کرد که عملیات آزادسازی آن بدون حضور فاطمیون در جبهه‌های خط مقدم انجام شده باشد. فاطمیون در واقع افغان‌های مدافع حرم هستند که در سوریه در حمایت از جبهه مقاومت فعالیت می‌کنند و حضور آن‌ها در آزادسازی پالمیرا هم بسیار پررنگ بود. دوربین مستند «نبرد پالمیرا» پس از معرفی این شهر و دلایل استراتژیک بودن آن به صورت کلی و همین‌طور اشغال آن توسط داعش، در جریان آزادسازی پالمیرا همراه فاطمیون است. در واقع این عملیات را از نگاه آن‌ها مطرح می‌کند و تصویر برداران ما همه از اعضای فاطمیون هستند، افغان‌هایی که پیش از این با اسلحه مدافع حرم بودند و امروز با رسانه، این رسالت را انجام می‌دهند. به همین دلیل هم است که دوربین ما در کلیدی‌ترین صحنه‌ها و درگیری‌ها حضور دارد. دوربین به قدری تهاجمی است که پیش می‌رود و با عملیات همراه است که حتی در چند صدمتری مائسین انتحاری دشمن هم قرار می‌گیرد و موج انفجار تصویر بردار ما را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. البته این جنگ طول و عرض زیادی داشت که به دلیل همین وسعت ما نمی‌توانستیم همه ابعاد را نشان دهیم. پس سراغ فرمانده اطلاعات و شناسایی این عملیات رفتیم، یعنی سیدحسن حسینی با نام جهانی سیدحکیم، شهید سیدحسن حسینی، فرمانده اطلاعات شناسایی تیپ ۲ لشکر فاطمیون بود که حضور موثر و نقشی اساسی در عملیات آزادسازی پالمیرا داشت. در این مستند حضور سیدحکیم بسیار پررنگ است، زیرا این عملیات به واسطه اطلاعات شناسایی قوی پیش از آن جزو کم‌تلفات‌ترین عملیات‌های فاطمیون بود.

حایز شهید آوینی

مستندی به تصویر کشیده شده است. اتفاقاً در جریان فیلمبرداری در این سکاس‌ها که در نیمه‌شب اتفاق می‌افتاد، یک دوربین فایو دی و تعدادی از تجهیزات را از ما زورگیر کردند.

■ با این سشور ایطی که عنوان می‌کنید آیا سوزده‌ها با گروه همکاری می‌هم می‌کردند؟ همکاری کاراکترها با گروه بسته به حال و شرایط آن‌ها در روزهای مختلف تفاوت داشت، آن‌ها در بعضی از روزها که حوصله بیشتری داشتند، کاملاً با گروه همکاری می‌کردند و در برخی روزها هم خیلی انرژی و حوصله این کار را نداشتند. در کل همه چیز کاملاً حسی و دلی بود و براساس احساس مشترک پیش می‌رفت.

■ فکر می‌کنید فیلم تان با اقبال عمومی روبه‌رو شود؟

به شدت منتظر واکنش مخاطبان و میزان استقبال آن‌ها از این فیلم در جشنواره هستیم، اما مخاطبان اصلی فیلم کسانی هستند که به نوعی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم درگیر بحران اعتیاد بوده می‌باشند. معاندان سراسر کشور، مخاطبان اصلی این فیلم هستند که امیدوارم پیام آن را بگیرند.

■ جشنواره سینما حقیقت در سال‌های گذشته با استقبال گسترده‌ای به خصوص از جانب مخاطب عام روبه‌رو شده است، به عنوان مستندسازی که همواره حضور فعالی در این جشنواره داشتید، این دوره را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟

جشنواره سینما حقیقت هم برای مستندسازان و هم مخاطبان جذاب است، شخصاً یکی از دلایلی که هر سال در این جشنواره شرکت می‌کنم، این است که با دیدن هر فیلم، گویا یک کتاب را خوانده‌ام. مخاطبان هم طی سال‌های اخیر به جشنواره سینما حقیقت روی خوش نشان داده‌اند و اغلب فیلم‌های جشنواره پر مخاطب اکران شده‌اند. شخصاً جشنواره سینما حقیقت را جذاب و هیجان‌انگیز می‌دانم و به خصوص فکر می‌کنم جشنواره این دوره یکی از بهترین‌هاست، چرا که امسال فیلم‌های بسیار خوبی ساخته شده و بی‌صبرانه منتظر تماشای آثار همکارانم هستیم. امیدوارم حال همه و همین‌طور جشنواره خوب باشد و از تماشای مستندها لذت ببریم.

شده‌اند، متمایز می‌کند. ■ به نظر خودتان بارزترین پیام و ویژگی این مستند چیست؟

فیلم به لحاظ فرم، کاراکتر محور نیست و بیشتر با یک تیم و جمع سروکار داریم. هر کدام از کاراکترها در واقع شخصیت کارتن خواب رو به بهبود را مانند قطعات یک پازل تکمیل می‌کنند، بنابراین سعی کردم با این فیلم همدلی، دوباره برخاستن و کنار هم قرار گرفتن این آدم‌ها و روح زندگی را به تصویر بکشم. به نظر من، من شدن این آدم‌ها، در کنار هم بودنشان معنا پیدا کند و فیلم هم همین را به تصویر می‌کشد. فیلم کاملاً رو به جلو و امیدوار و پرنرژی است.

■ پس فیلم تم و فضایی امیدوارانه دارد؟ بله، تم فیلم امید به زندگی و تلاش برای غلبه بر مشکلات است. اصلاً نام فیلم هم برگرفته از همین محتواست و به همین مساله اشاره دارد. آوانتاژ یعنی فرصت دوباره، فرصتی که در بازی از داور می‌گیریم تا بتوانیم به بازی ادامه دهیم و آجانا گل بزنیم که در این‌جا فرصتی که خدا در اختیار انسان‌ها می‌گذارد تا دوباره برای بهبود شرایط زندگی شان تلاش کنند، معنا می‌دهد. همچون آثار قبلی‌ام در این‌جا هم محتوای فیلم در عنوان آن نمود دارد.

■ بدون شک ساخت این گونه مستندها به دلیل مطرح کردن معضلات اجتماعی و افراد درگیر با آن، با سختی‌های زیادی همراه است، شما در تولید این پروژه با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

به‌طور کلی این جنس فیلم‌ها با آدم‌هایی سروکار دارد که تا آخر زندگی رفته‌اند و هیچ چیزی برای از دست دادن ندارند، افرادی که سختی‌های زیادی کشیده‌اند و به همین خاطر بسیار آدم‌گریز هستند. خود آن‌ها هم اصطلاحی در این زمینه دارند و هر کسی را غیر از خودشان آدم عادی می‌نامند. پس اگر کسی بخواهد وارد جمع آن‌ها شده و او را از خود بدانند، کار بسیار سختی پیش‌رو دارد و قطعاً این اعتماد به راحتی به دست نمی‌آید. اما کار سخت دیگرمان در این پروژه، مربوط به چند سکاس بیرونی بود که در خطرناک‌ترین پاتوق‌های معتادان و کارتن خواب‌ها در بدترین نقاط تهران گرفتیم، سکاس‌هایی که در کمتر

به شدت
منتظر واکنش
مخاطبان و
میزان استقبال
آن‌ها از این
فیلم در جشنواره
هستیم، اما
مخاطبان اصلی
فیلم کسانی
هستند که به
نوعی به صورت
مستقیم یا
غیرمستقیم
درگیر بحران
اعتیاد بوده‌ای
هستند

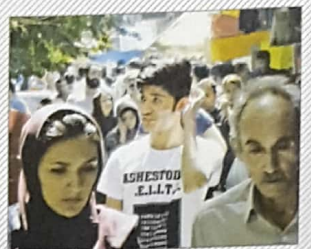
معضلات
اجتماعی
همیشه برایم
مورد توجه بوده
و دیدن این‌گونه

معضلات
تا مدت‌ها
ذهنم را درگیر
فود می‌کند
و معمولاً
باعث می‌شود
مستندی
براساس
آن‌ها بسازم؛
«آوانتاژ» هم
از این قاعده
مستثنی
نیست



مستند کوتاه

نام فیلم: زندگی کور نیست
 کارگردان: زهرانیازی
 درباره فیلم: «زندگی کور نیست» در مورد زندگی مریم، دختری کم بیناست که تحت حمایت بهزیستی قرار دارد، امضا او ضعفش را نادیده گرفته و صاحب مدال قهرمانی دوومیدانی شده است. حالا او در شهر اصفهان به دنبال خانهای بسیاری زندگی می‌کند. زهرانیازی در این مستند زندگی مریم را از زاویه‌های متفاوت روایت کرده است.



زندگی یک مددجو در کلانشهر

گفته‌های زهرانیازی درباره «زندگی کور نیست»

۱ مریم دختری کم بینا صاحب مدال قهرمانی دو و میدانی در جستجوی خانهای برای زندگی است. بهزیستی اما وظیفه‌اش تأمین خانه نیست. در اصفهان و بسا حال و احوال این روزهایمان از کوجه بهزیستی به کجا می‌رسیم؟ این خط کلی «زندگی کور نیست» است که سعی کرده ام در ۲۹ دقیقه زندگی یک بیمار RP روایت شود.

۲ وقتی می‌خواهیم درباره معضلات اجتماعی صحبت کنیم، زندگی یک فرد هم به آن مرتبط است، چون وقتی یک عضو از یک بدن درد بگیرد، تمام آن بیکره به درد می‌آید. من به دنبال بررسی خدمات بهزیستی به مددجویان بودم که با کمک این سازمان در اصفهان، تقریباً ۲۰ مرکز به من معرفی شد و بالاخره مریم را در مرکز فاطمه‌زهرا که مربوط به نابینایان بود، پیدا کردم. از همان دیدار اول خیلی سرزنده و بانشاط بود و ارتباط بین‌مان خیلی زود شکل گرفت. او خیلی دوست داشت که مشکلاتش گفته شود و این به شکلی تبدیل به یک نیاز دوطرفه شده بود، یعنی هم من دنبال یک مددجوی بهزیستی بودم که جامعه چه کمک‌هایی می‌تواند به او کند، هم مریم دنبال این بود که مردم شاهد زندگی روزانه‌اش باشند و از طرفی بهزیستی ببیند که مددجویش در چه شرایطی قرار دارد. فرم روایت فیلم هم دقیقاً بر مبنای اتفاقات واقعی‌ای که افتاد شکل گرفت.

۳ در فیلم می‌بینیم که من به عنوان مستندساز می‌خواهم یک فیلم درباره خدمات بهزیستی بسازم و در طی پژوهش‌هایم به فردی برخورد می‌کنم که مددجوی بهزیستی است. خدمات‌دان بهزیستی و خدمات گرفتن از این سازمان را به شکل موزای جلو بردم و در فیلم می‌بینیم که این دو یک جاهایی به هم می‌رسند. اشاره‌ای به موسیقی «زندگی کور نیست» هم داشته باشم. موسیقی ساخته‌شده برای فیلم بسیار تأثیرگذار است، به خصوص در چند لحظه خاص که خیلی زیبا حس درون فیلم را منتقل می‌کند.

میراث فرورفته در آب

فیلم کوتاه «راموند» روایت ناپدیدشدن یک منطقه باستانی تازه کاوش شده است؛ حجت‌الله حافظی درباره فیلمش توضیح می‌دهد

سوسن سیرجانی soosansirjani@yahoo.com

بارها شنیده‌ایم که منطقه‌های باستانی در اقصی نقاط ایران به دلیل آلودگی سدها، تخریب و ساخت‌وسازهای غیراصولی و کارهایی از این دست که همه محصول ضعف مدیریت است، روبه نابودی رفته یا به کل تخریب شده‌اند. منطقه راموند واقع در شهرستان کوه‌دشت استان لرستان یکی از این مثال‌هاست که پس از چهار سال کاوش‌های باستان‌شناسی از زیر خاک بیرون آمد و خود را نشان داد، اما ناگهان ناپدید شد. حجت‌الله حافظی در مستندش از روند کاوش‌های منطقه راموند و فرورفتن آن در آب گفته است.

طبیعت و محیط‌زیست می‌چرخند.
 به فکر اکران عمومی «راموند» هستید؟
 قطعاً! یکی از اهداف من این بود که این چالش‌نشان داده شود تا بفهمیم چرا اصلاً چنین اتفاقی افتاد. آیا آن محوطه باستانی ارزشش از یک سد بیشتر نبود؟ یا ارزش سد از یک میراث کهن بیشتر است؟ خود من هم واقعاً نمی‌دانم ارزش کدام بیشتر است و چرا باید یکی به خاطر دیگری فدا شود.

چه شد که به «راموند» رسیدید؟
 راموند یک منطقه تقریباً باستانی مربوط به دوره پارت ساسانی، در کنار رودخانه سیمره است. در واقع این ناحیه حلقه گمشده بین تسفون و مداین بوده که پس از پیداشدن این منطقه روند فرهنگی و تاریخی دوره پارت ساسانی در امپراتوری ایران مشخص شد. اسم فیلم هم از نام همین منطقه گرفته شده است. در سال ۸۹ آثاری از آن پیدا شد و از همان زمان یکسری کاوش‌ها روی آن آغاز شد و تا سال ۹۴ ادامه داشت، در واقع هر سال قسمتی از خاک بیرون می‌افتاد. در سال ۹۵ که در آستانه بهره‌برداری از این منطقه بودند، سد سیمره به دستور وزارت نیرو آماده آلودگی شد، بدون توجه به این که با آلودگی این سد، کل این ناحیه به زیر آب می‌رود. پس از آلودگی این سد، راموند به زیر آب رفت، ناپدید شد و دیگر هیچ کاری از هیچ‌کسی بر نمی‌آمد.

چقدر در فیلم، آن فضای باستانی معرفی می‌شود؟
 فیلم از معرفی این منطقه شروع می‌شود، اشیا و آثار و ابنیه که در کاوش‌ها پیدا شده، توسط کارشناسان و در قالب گفتار متن، معرفی می‌شوند و به صورت ناگهانی و با یک تعلق، آب می‌آید و این ناحیه به زیر آب می‌رود. حرف دیگری هم زده نمی‌شود، فقط می‌گوییم یک سد احداث شد و همه چیز از بین رفت.

برخورد سازمان میراث فرهنگی چگونه بود؟
 جالب است که این سازمان نمی‌دانست این سد قرار است آلودگی شود و خودشان برای ساخت فیلم همکاری کردند. از سال ۹۲ که قسمت اول کار با کاوش‌ها بیرون آمد، تا سال ۹۴ این سازمان با ما همکاری کرد. بعد از به زیر آب رفتن راموند دیگر خودشان هم مانده بودند که این فیلم را بخش کنند یا نه، اما چون خودمان کاملاً آزاد و بدون حمایت از هیچ سازمانی کار را انجام داده بودیم، فیلم را آماده پخش کردیم.

آثاری که تا به حال ساخته‌اید بیشتر با موضوع طبیعت و محیط‌زیست بوده، طبیعت دغدغه شماست؟
 بله دقیقاً، من مجموعه‌ای به نام «گیاهان دارویی ایران» ساخته‌ام. فیلمی درباره کوچ و خیلی آثار دیگر که همه حول

A Heritage Drawn in the Water

Ramavand" short documentary is a narrative about disappearing an ancient region, which is explored recently. Hojjatollah Hafezi explained about his film. We have heard many times that some ancient region sights in various areas of Iran are going to be destroyed by dewatering of dams or some illegal or unprincipled constructions, which are the result of lack of good management. Ramavand Region in Lorestan Province is one of these ancient regions that after four years exploring at there, they found a sight but it disappeared after a while. We can track this trend in the "Ramavand" documentary. Ramavand is an ancient region related to Sassanid era beside Saymareh River. In fact it was the lost zone between Tisiphone and Madaen, after finding that area, the cultural-artistic trend of Sassanid Part Era in Iran Emperor was recognized.

AClose-UpShot FromOrdinary People

Mohsen Ostad Ali has directed a documentary based on the lives of several ordinary people whom we passed by them simply every day. "Femininity" is the narrative of some women's life in Tehran who are passing their lives together." This is all we knew about the film before its first screening in the festival. "In this documentary I wanted to show that these women have different problems like the other people in the society and without focusing their situation and position, even their moral characteristics, their humanity must be considered. Moreover, I wanted to test myself whether I can show the drama of their life who are not very special people but their lives are full of challenge or not.



نمای نزدیک از آدم‌های معمولی

با محسن استادعلی درباره «زنانگی»: این مستند مکتبی کوتاه بر زندگی و انسان‌هایی معمولی است که در زندگی روزمره به سادگی از کنارشان می‌گذریم

عرفان جلالی

jalali.se@gmail.com

No.8. Sun, 11th Dec .2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

درباره فیلم

- نام فیلم: زنانگی
- کارگردان و تهیه‌کننده: محسن استادعلی
- پژوهشگر: محسن استادعلی
- زمان: ۸۴ دقیقه
- درباره فیلم: «زنانگی» روایت زندگی چند زن در تهران است که به بهانه‌های مشترک، کنار یکدیگر روزگار می‌گذرانند. «زنانگی» اما فارغ از نام و فضای زنانه‌اش بیش از هر چیز قصه آدم‌های معمولی است

یکی از عوامل تاثیرگذاری مستندهای اجتماعی پشتوانه قوی پژوهشی آن‌هاست، به‌عنوان یک مستندساز اجتماعی شیوه کارتان در بازتاب مشکلات جامعه چیست؟
نوع مستندهای من به اصطلاح به سینمای مشاهده‌گر مشهور است و معتقدم برای این که ذات مستند حفظ شود نباید چیزی را از بیرون وارد آن کرد. اما در کل این‌گونه مستندها بسیار زمان‌بر هستند، چراکه باید با شخصیت‌ها زندگی کرد و آن‌قدر به آن‌ها نزدیک شد که شکل بازسازی به خودش نگیرد. از سوی دیگر، در این‌گونه فیلم‌ها پژوهش چندان به چشم نمی‌آید، چراکه پژوهش در واقع زندگی کردن با کارکنان است و با سایر انواع تحقیق و پژوهش مثل روش کتابخانه‌ای تفاوت دارد، به هر حال، واقعیت این است که پروسه همراهی با این آدم‌ها و شناخت دقیق ویژگی‌های اخلاقی‌شان مهم‌ترین بخش این‌گونه آثار مستند است. در این مستند هم حدود یک‌سال و نیم کار پژوهش طول کشید.

■ حضور «زنانگی» در جشنواره سینما حقیقت چقدر به دیده‌شدن این فیلم کمک می‌کند؟
اصغر فرهادی در جایی گفته بود وقتی فیلمی در یک جشنواره جایزه می‌گیرد بزرگ‌ترین مزیت‌ش این است که به دیده‌شدن آن کمک می‌کند. اصلاً مگر ما چند جشنواره تخصصی در حوزه سینمای مستند داریم؟ به نظر من جشنواره سینما حقیقت و بهترین سینمای مستند است و این جشنواره در واقع یک پاتوق فرهنگی و عرصه‌ای برای بحث و تبادل نظر پیرامون آثار مختلف سینمایی است. این بحث‌ها و گفت‌وگوها در روزهای جشنواره به رشد کلی سینما کمک زیادی و چشم‌انداز آینده سینما را روشن می‌کند.

■ به نظر تان اگران گروه هنر و تجربه چقدر به رشد سینمای مستند کمک کرده‌است؟

به نظر من نفس اگران داستانی و مستند در گروه هنر و تجربه بر مبنای کمیت نیست و این طرح بیش از هر چیز فضایی را برای اگران و دیده‌شدن این‌گونه آثار سینمایی فراهم کرده‌است.

«زنانگی»، روایت زندگی چند زن در شهر تهران است که به بهانه‌های مشترک، کنار یکدیگر روزگار می‌گذرانند. محسن استادعلی می‌گوید توضیح بیش‌تری تا قبل از نمایش فیلم نمی‌دهد تا بیننده‌ها بدون پیشینه ذهنی سراغ اثر برند. استادعلی در کارنامه هنری خود ساخت مستندهایی همچون «روز شغال»، «عادت می‌کنیم»، «سکوت»، «جاده نمناک»، «جایی برای زندگی» و «دم صبح» را دارد. او موفق به دریافت جوایز بسیاری از جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی همچون جایزه ویژه هیات داوران جشنواره فیلم آوانکا، جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، جشن خانه سینما، سینما حقیقت، فیلم شهر، شهید آوینی، جشنواره بین‌المللی فیلم زنان هرات، جشن دنیای تصویر، جشنواره فیلم دفاع مقدس و... شده‌است.

شخصیت‌هایی که تعریف می‌کنیم برای مخاطب جابجفت، به همین خاطر در نهایت به همان پنج نفر اکتفا کردیم.

■ سخت‌ترین بخش کار در تولید این مستند چه بود؟
به دلیل زنده‌بودن فضای فیلم، کار کردن در این شرایط سخت بود، به همین دلیل همه گروه سعی کردیم فضای مناسب و راحتی برای کارکنان را ایجاد کنیم تا همان زندگی روزمره خودشان را جلوی دوربین داشته باشند. در واقع با ایجاد صمیمیت، شرایط مناسبی را برای آن‌ها فراهم کردیم تا جلوی دوربین هم خودشان باشند. به‌طور کلی اگر کارکنان جلوی دوربین رضایت نداشته و راحت نباشد، کار خیلی سخت می‌شود. من معمولاً در پروسه پژوهش به شخصیت کارکنان و خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی آن‌ها پی می‌برم. در واقع در این مرحله تمام جزئیات شخصیتی و حتی عادت‌های کوچک و بزرگ کارکنان مشخص می‌شود و متوجه می‌شوم که کدام کارکنان به پیشبرد فیلم کمک می‌کند و کدام یک به کار نمی‌آید. من یک سری قلی‌های خاص و شخصی دارم که بتوانم فضا را دریاورم. یکی از اصلی‌ترین مواردی که در کارم رعایت می‌کنم این است که هیچ وقت از آدم‌های فیلم سوءاستفاده نمی‌کنم و برایم ارزشمند و مهم هستند. در این مستند هم طراحی کلی فیلمنامه را از قبل داشتم و می‌دانستم روایت چگونه قرار است اتفاق بیفتد اما جزئیات کار را نمی‌شد طراحی کرد و در روند فیلم شکل می‌گرفت.

■ به نظر خودتان نکته بارز «زنانگی» چیست؟
در هیچ یک از فیلم‌هایم نگاه پیچیده‌ای به موضوعات و سوزو‌ها نداشته‌ام و همیشه سعی کردم در دل سادگی، موضوعات مورد نظر را مطرح کنم؛ «زنانگی» هم همین رویکرد و ویژگی را دارد. بر همین اساس، تغییر نگاه به برخی آدم‌های اطراف‌مان در جامعه می‌تواند نکته ویژه فیلم باشد. هدفم این است که با این فیلم، نگاه انسانی و توجه بیشتر به این آدم‌ها را برنگردانم. به نظر می‌آید مکتب طولانی‌تری روی این آدم‌ها داشته باشیم و آن‌ها را از نمایی نزدیک‌تر ببینیم، شاید بتوانیم از این به بعد نگاهمان را به آن‌ها تغییر دهیم.

■ از عنوان فیلم‌تان مشخص است که در «زنانگی» با فضایی کاملاً زنانه روبه‌رو هستیم، چه چیزی باعث شد «از جایی برای زندگی» که مستندی مردانه محسوب می‌شده به فیلمی با محوریت زنان رسیدید؟

در این مستند سراغ زن‌هایی رفتم که اکثر ما در زندگی روزمره با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم و خیلی وقت‌ها در عین بی‌تفاوتی و بی‌توجهی از کنارشان گذشته و به سادگی رد می‌شویم. در واقع با این فیلم می‌خواهم نشان دهم که این افراد هم مثل همه آدم‌های اطراف ما در جامعه مشکلات و دغدغه‌های گوناگونی دارند و البته مثل همه ما انسان هستند؛ فارغ از جنسیت‌شان و این که چه ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی و شخصیتی دارند، مهم‌تر از همه این فاکتورها، انسانیت آن‌هاست که باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین می‌خواستم ببینم می‌توانم درام را از زندگی معمولی این آدم‌ها بیرون بکشم و برشی از زندگی افرادی را نمایش دهم که ویژگی خیلی خاصی ندارند، اما زندگی‌شان پر از چالش است.

■ قصه این زنان چیست و چرا تصمیم به ساخت مستندی بر محور زندگی آن‌ها گرفتید؟

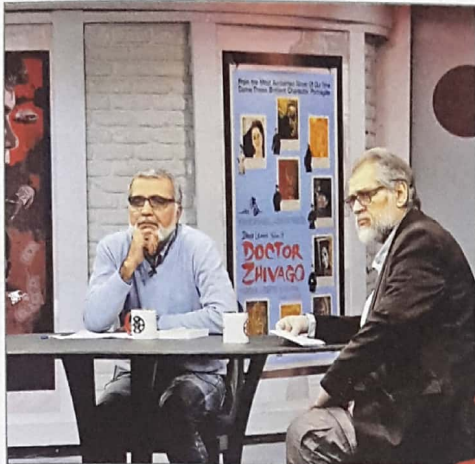
چون نمی‌خواهم قبلاً از اگران فیلم در جشنواره، قصه آن‌ها لو بروم، فقط به همین اشاره می‌کنم که این مستند روایت پنج زن در جنوب شهر تهران است که به دلایل مشترک با هم زندگی می‌کنند. حدوداً اواخر سال ۹۲ بود که از نزدیک با فضای زندگی این چند زن آشنا شدم و تصمیم به ساخت مستندی بر اساس زندگی آن‌ها گرفتم. از همان زمان هم شروع به تحقیق کرده و با مشاهده زندگی آن‌ها، از اواسط سال ۹۳ این سوزو برایم پررنگ‌تر شد و فیلمبرداری را شروع کردم.

■ از همان ابتدا قرار بود فقط قصه همین پنج کارکنان را در فیلم روایت کنید؟

نه، در ابتدای کار، تعداد کارکنان بیشتر بود، اما همیشه در کارهایم تا زمانی که کارکنان را از خودم باور نکنم و نپذیرم برای حضور در فیلم هم انتخاب‌شان نمی‌کنم. خیلی از آن‌ها فاکتورهای لازم را نداشتند، پس از پروژه کنار گذاشته شدند. از سوی دیگر احساس می‌کردم باید دلایل حضور آن‌ها در فیلم و

تجربه‌ای که ثبت شد

پرونده دهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت عصر امروز و با برگزاری آیین اختتامیه بسته خواهد شد و آن چه از آن به یادگار می‌ماند در کنار خاطرات خوش و لحظه‌های لذت‌بخش مهمانان جشنواره، برداشت‌ها و روایت‌هایی است که به زبان تصویر یا کلمه به ثبت رسیده و احتمالاً بعدها می‌توان به آن مراجعه کرد و در قالب تجربه آن‌ها را به مرور نشست. رسانه‌ها سهم ویژه‌ای در ثبت این تجربه داشته‌اند.



بازتاب ویژه در برنامه‌های رادیویی - تلویزیونی

همزمان با برگزاری جشنواره دهم سینما حقیقت برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی به‌انحاء مختلف به این رویداد پرداختند. بهروز افخمی مجری و سردبیر برنامه هفت‌روزه، روز جمعه ۱۹ آذر بخش ویژه‌ای از برنامه‌اش را به «میزگرد بررسی مستند بحران» اختصاص داد. نادر طالب‌زاده و محسن اسلام‌زاده در این باره به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و آیت‌هایی در ارتباط با موضوع برنامه و نیز بریده‌ای از مستندهای حاضر در جشنواره سینما حقیقت روی آنتن رفت. طالب‌زاده در بخشی از برنامه رفتار آمریکا در قبال کشورمان را به چالش کشید و گفت: «ما طی این سال‌ها از آمریکا ضربات زیادی خوردیم. در جنگ تحمیلی تا امروز و در تمام این سال‌ها آنها سعی کردند از رسانه‌های خود، تصویری دروغین را از ما و جهان به نمایش بگذارند. حالا نوبت ماست تا تصویر درست را ارائه کنیم.» محسن اسلام‌زاده نیز با اشاره به ضعف مستندسازی بحران ایران از آموزش نیروها برای ممانعت از خطرهای احتمالی، گفت: «ما خیلی عقب‌تر از این حرف‌هایم. در همان صحنه که من مجروح شدم در خلال تولید یکی از مستندهایم، اگر جلیقه داشتیم ۱۲ ترکش پشتم نمی‌خورد.»

رسانه‌های برخط

پوشش رویدادهای جشنواره در رسانه‌های برخط رنگ‌بوی دیگری داشت. به‌خصوص که این رسانه‌ها امکان اطلاع‌رسانی به‌روز را داشتند و تلاش می‌کردند مهم‌ترین رویدادهای جشنواره را به‌صورت روزانه رصد و مخابره کنند. البته رسانه‌هایی مانند خبرگزاری مهر و خبرگزاری ایرانا در کنار پوشش اخبار،

گفت‌وگو با مستندسازان یا انتشار یادداشت‌های تحلیلی درباره برخی از مهم‌ترین آثار حاضر در جشنواره را در دستور کار داشتند. در میان سایت‌های خبری اما سایت «آی‌سینما» با پوشش روزانه متن و حاشیه جشنواره حضوری پررنگ در همراهی رسانه‌ای با جشنواره‌ها امسال داشت.

شبکه‌های اجتماعی

ایده‌هایی برای ادامه

از اواخر روز گذشته تب تبلیغ و دعوت برای تماشای فیلم‌های در حال اکران در گروه تلگرامی «بحث مستند» فروکش کرده و حالا آرام‌آرام اعضای این گروه برای دور تازه‌ای از ارتباط مجازی خود را آماده می‌کنند. چند نفر از مستندسازان با به اشتراک گذاشتن نقد و نظرهایی درباره آثارشان تلاش می‌کنند رویکرد محتوایی‌تر به این گعده حرفه‌ای بدهند و همزمان گروهی دیگر با همان رویکرد تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی و در قالب به اشتراک گذاشتن پوستر و عکس، دیگران را از برگزاری کلاس‌ها و نشست‌های تخصصی در حوزه مستند آگاه می‌کنند. رویکرد غالب هم که مانند سایر گروه‌های تلگرامی احوال‌پرسی و تبادل نظر دوستانه میان افراد است و طبیعتاً از این به بعد سهم بیشتری در مرادوات اهالی مستند در فضای مجازی خواهد داشت.

دیگه چه خبر؟

گپ‌وگفت دوستانه و تحلیل و بررسی تخصصی، اما قطعاً جای خبر و اطلاع‌رسانی را نمی‌تواند پر کند و هنوز می‌توان انتظار خبرهای مرتبط با حوزه مستند را در شبکه‌های اجتماعی داشت. اگر دنبال شاهد مثال هم می‌گردید، کافی است همین امروز و همزمان با برگزاری اختتامیه نیم‌نگاهی به گروه «بحث مستند» داشته باشید تا شاهد حجم خبرهای در لحظه از برگزیدگان و ناکامان بخش‌های مختلف باشید.



افسوس فراموشی

تجربه خوبی بود. پیگیری جشنواره خارج از چارچوب‌های رسمی سایت‌ها و رسانه‌های خبری و در فضایی گرم و پرچالش؛ همه این‌ها بود، اما یک ویژگی که در همین گزارش مختصر بالا درباره ماندگاری رسانه‌ها به آن اشاره کردیم، در این میان مفقود است. این که این همه تکاپو در شبکه‌های اجتماعی به زودی محو خواهد شد بدون آن که جایی ثبت شده باشد. همه گفته‌ها و شنیده‌ها، شوخی‌ها و دلخوری‌ها، بحث‌ها و مجسادات در دل گروه‌های تلگرامی باقی می‌ماند و بعید است تا چند ماه دیگر اساساً امکانی برای دسترسی به آن‌ها وجود داشته باشد، حتی اگر در نگاهی امیدوارانه اراده‌ای برای این کار وجود داشته باشد.



نشریه روزانه دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمایی مستند تجربی

مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
سردبیر: آرش خوشخو
دبیر تحریریه: وحید سعیدی

سینمای ایران: احمد رنجبر
بخش انگلیسی: سمیه قاضی زاده
بخش بین‌الملل:
صوفیا نصرالهی و سارا اشیرانی
بخش خبری: محمد صابری
عکس: مریم سعید پور

تحریریه:

لیلا علیپور
سمیه علیپور
سوسن سیرجانی
عرفان جلالی
زهرا عباسی
محمد رضا کاظمی
با تشکر از همراهی:
مرجان فاطمی

گرافیک و فنی

مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی
صفحه آرایی: فرشاد بذرافشان
اجرای و هماهنگی: مریم رضوانی
ویرایش عکس: محمد بذرافشان
ویرایش و تصحیح: نجمه درز لو

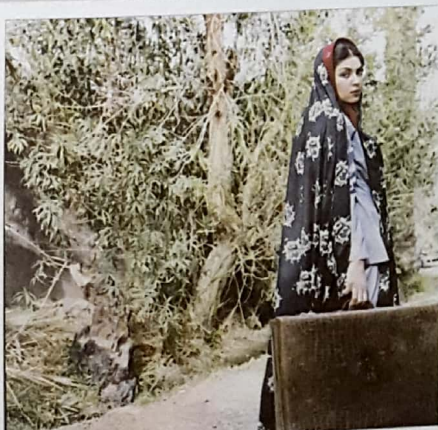
با سپاس فراوان از:
محمد صالح علاء

با تشکر از همراهی:
حامد خورشیدی، محمود صادقلوی گیوی
و علی اصغر لشتنی

نکته روز

قراربعدی؛ کرمان

بخش ویژه بزرگداشت مستندسازان استانی در جشنواره سینما حقیقت علاوه بر برگزاری در متن جشنواره، ضمیمه ویژه‌ای هم دارد. سفر ویژه تیم جشنواره به استان و نمایش فیلم‌های برگزیده برای مستنددوستان آن استان. این سنتی است که در دوره هفتم با سفر به آبادان کلید خورد و در دوره هشتم مستندسازان را مهمان اصفهان کرد. حالا و با یک دوره وقفه، اعضای هیأت داوری و انتخاب جشنواره و جمعی از مستندسازان حاضر در دوره نهم و دهم، قرار است عازم کرمان شوند. برای این سفر همه فیلمسازانی که اثرشان به بخش‌های اصلی راه یافته و نیز نامزدهای همه بخش‌ها دعوت شده‌اند و هر یک آمادگی برای همراهی داشته‌اند. در این مسافرت چهار روزه حضور خواهند داشت. یکی از برنامه‌های ویژه برای مستنددوستان کرمانی اکران فیلم‌های ویژه و برگزیده جشنواره دهم در سینماهای این استان خواهد بود. این سفر با مشارکت و همراهی اداره کل ارشاد استان کرمان برگزار می‌شود.



کاشانه

پرونده ویژه

گزارش تصویری جشنواره



جشن باشکوه دهم

محمدصابری

M.Saberi@gmail.com

به سینما و حقیقت که وجه مشترک مخاطبانی بود که برای یک هفته، فعالیت‌های روزمره خود را تعطیل کرده و به جای آن دفترچه برنامه اکران فیلم‌ها را در دست گرفتند تا در جریان «سینماحقیقت» باشند. تماشای این عشق و علاقه چیزی کم از تماشای فیلم‌های مستند بر پرده ندارد. حس و حال این تماشای را سعی کردیم از طریق کلمات در تک تک شماره‌های نشریه روزانه «سینماحقیقت» ثبت کنیم و با مخاطبان پیگیر خود به اشتراک بگذاریم، اما زبانی رساتر از کلمه و نوشتار هم هست که می‌تواند جامع‌تر و محسوس‌تر این تجربه را پیش روی شما قرار دهد؛ زبان تصویر که در قالب پوشه حاضر قرار است این تجربه را روایت کند. صفحات پیش‌رو لحظه‌هایی است از تجربه‌های ناب که در یک هفته برگزاری جشنواره سینماحقیقت در پردیس چارسو پشت سر گذاشتیم و حالا در قالب تصاویر به یادگار ثبت شده‌اند. این روایتی دیدنی از حقیقتی است که ما در این جشنواره تجربه‌اش کردیم.

میان همکاران بخش‌های مختلف طرح می‌شد؛ «رسیدی فیلم ببینی؟» حضور در فضای جشنواره و رصد اخبار و بازتاب‌های مرتبط با اکران فیلم‌ها ناخواسته عطش و علاقه‌ای برای تماشای فیلم‌هایی به وجود می‌آورد که در جدول اکران جا خوش کرده‌اند. اما طبیعتاً زمانی که اولویت با کار باشد و زمان محدود، ناگزیر باید به بازی دشوار انتخاب تن داد و تنها برخی از فیلم‌ها را روی پرده دید. هدف غرزدن از ندیدن فیلم‌های خوب و از دست رفتن این همراهی با مخاطبان هم نیست. نکته این جاست که قرار گرفتن در این موقعیت یعنی حضور در فضای جشنواره و غیبت ناگزیر از سالن‌های تاریک نمایش، فرصتی ناب برای مواجهه‌های متفاوت با جشنواره به دست می‌دهد. مواجهه نه از منظر فیلم‌ها که از منظر مخاطبان. حقیقتی که ما در جشنواره سینماحقیقت هم‌زمان با رصد و پیگیری اخبار مرتبط با فیلم‌ها تجربه کردیم، نه بر پرده نقره‌ای که در دست در لابی‌ها و سالن‌های جنبی پردیس چارسو جریان داشت. عشق و علاقه

گفتن و نوشتن از حجم کاری روزانه در دل رویدادی با مختصات جشنواره «سینماحقیقت» نه تنها دلنشین نیست، احتمالاً مخاطبی هم ندارد که کمی حس و حال غرزدن پیدا می‌کند و کمی مخاطب را دل زده می‌کند. با این وجود، واقعیتی که نمی‌توان آن را کتمان کرد، زمانی است که با وجود حضور در فضای جشنواره، باید صرف کارهای اجرایی شود. اشتباه نشود، زمانی که همکاران جشنواره از دبیرخانه و ستاد خبری گرفته تا مسئولان بخش‌های جنبی و بالاخره همین جمع همکاران در تحریریه نشریه روزانه صرف می‌کنند، لذتی خاص خود هم دارد و این طور نیست که قرار بر غرزدن باشد. اما برای رسیدن به آن چه قصد اشاره به آن را دارم، این مقدمه لازم بود. در روزهای برگزاری جشنواره سینماحقیقت این سوال به کرات



«دیپلماسی شکست‌ناپذیر آقای باذری» از مستندهای برنامه‌ساز جشنواره امسال بود

بازار داغ سلفی مقابل دیوار مستندسازان

محمود دولت‌آبادی نویسنده صاحب‌نام کشورمان از جمله مهمانان ویژه جشنواره بود که به نمایش مستند «سفر سهراب» با موضوع زندگی سهراب شهید ثالث نشست



چهره خندان نگاه آهنگرانی که «مردان آریاب حمشید» را به طور مشترک با درامدنی کارگردانی کرده است



همه جای پردیس چارسو طعم حقیقت داشت

حضور فیلمسازان سینمای داستانی در پردیس چارسو، نشان از جایگاه ویژه مستند پیش آن‌ها دارد

حضور رخشان بنی‌اعتماد در نخستین روز جشنواره سینما حقیقت، به بهانه اکران نخستین مستند از مجموعه «کارستان»



در چهارمین روز برپایی جشنواره سینما حقیقت چهاردهی سرشناسی به پردیس چارسو آمدند: اسیدر صامیر کریمی، ابوالحسن داودی و ترگس آبیاز از جمله حاضران در جشنواره سینما مستند بودند

مهنات گرامتی برای نمایشی فنی که تهیه کرده یعنی «سفر تاسکو» به جشنواره آمد. محمد شیروانی «شش چشم» را در جشنواره داشت و اکبر عالمی در «عصر گفتگو» الحظیات ویژه‌ای رقم زد

در دومین روز جشنواره، حسن فریدون همراه با جنت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی مهمان کاخ جشنواره بودند. مسوولان و حسین تریایی دوچهره شاخص سینمای مستند، که در ضیافت مستندسازان حضور داشتند.

شماره ۸ روزنامه جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت | شماره ۸ هشتم | یکشنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۹۵

The Truth We Experienced

Talking and writing about the number of daily works we had in the heart of an event as big as "Cinema Verite" is neither sweet nor have audience to hear because it can be seemed like complaining. However, it is a truth that we were working instead of watching films while we were present in the festival. For sure, there is much excitement

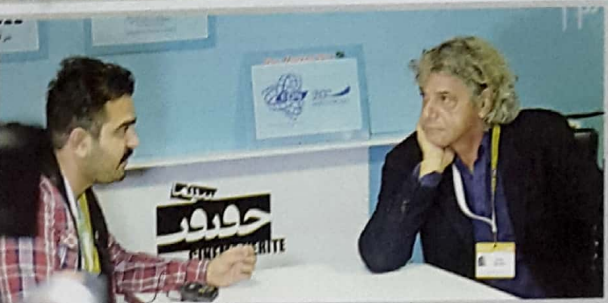
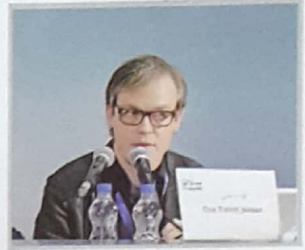
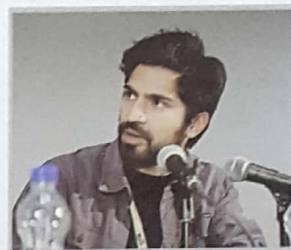
and enjoyment in the nature of our job but it is still a thirstiness for watching films especially when someone meets you and asks "Could you watch films?"

However, when the priority be working and the time be limited so you should choose and watch some films on the silver

screen of cinema.

On the other hand, it was a great experience to see people who waiting in different corridors of Charsou Cineplex; they had the films schedule in their hands and there was much hope and love in their eyes. Watching the love and interest was not less than watching

documentaries on the screen. We definitely tried to reflect the interest in the Daily Bulletin of the festival, while we attached many images of all the feeling of the days of the festival in these pages to share the sweet moments with you too. This is our must-to-see narrative from the truth we had experienced in the festival.



80UTZ

نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت | شماره هشتم | یکشنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۹۵